



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Environmental flow of the Hamoun international wetland from the perspective of international law

A.Salari^{1*}¹ Assistant Prof., Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 2025/05/1

Revised: 2025/08/26

Accepted: 2025/09/6

Keywords:

Reasonable and equitable utilization
Hamoun Wetland
Biodiversity
Environmental flow

*Corresponding author:

✉ salari@neyshabur.ac.irDoi: [10.52547/joc.16.61.1](https://doi.org/10.52547/joc.16.61.1)

ORID: 0000-0002-2864-1948

ABSTRACT

Background and Theoretical Foundations: The International Hamoun Wetland, a designated biosphere reserve, is facing destruction despite its rich biodiversity and valuable economic, social, and cultural capacities for local communities. The consequences of this destruction are clearly observable through climate change, dust storms, and the migration of local populations. Apart from internal factors, a primary driver of this situation is the upstream government's utilization practices of the rivers flowing into the wetland. The 1973 Helmand River Treaty between Iran and Afghanistan solely stipulates water rights for agriculture and drinking, without allocating environmental water rights for the wetland.

The significance of this vital ecosystem for the people of Sistan has prompted this research to investigate the legal status of water rights, specifically environmental water flows, for an international wetland. Furthermore, it examines the extent to which Afghanistan's treaty and customary obligations mandate the provision of these flows.

Methodology: This research employs a descriptive-analytical approach. Data were gathered from library sources, including international instruments, international court judgments, and legal scholars' opinions.

Findings: While environmental flows are not inherently or explicitly a binding obligation for Afghanistan, based on certain other treaty and customary rules, there is an obligation for states hosting waters flowing into an international wetland to provide them

Conclusion: Although a specific treaty for environmental flows does not exist in international law, provisions within certain treaties can substantiate the necessity of preserving such water flows and maintaining wetland ecosystems. Afghanistan, in fulfilling its treaty obligations under the Convention on Biological Diversity, is obliged to adopt appropriate measures for the conservation of species and ecosystems. Given the significant richness of aquatic and terrestrial animal and plant species in the Hamoun Wetland and its value as an ecosystem, Afghanistan is bound to take action to protect it. The most evident form of action is the fair utilization of international waterways flowing into the wetland and the allocation of environmental water rights to it. Moreover, based on the decisions of the Conferences of the Parties to the Convention on Biological Diversity, which are considered subsequent practice of the contracting states under rules of interpretation, Afghanistan is obligated to apply an ecosystem approach to the wetland.

Furthermore, in addition to its habitat capacity for various species, the Hamoun Wetland hosts migratory birds. Due to Afghanistan's membership in the Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals, it is obligated to conserve this expanse, which again necessitates the provision of adequate water. Afghanistan is also obliged, under the Convention to Combat Desertification and the effects of its upstream activities, to ensure water flow for downstream areas and the Hamoun Wetland.

The obligations enshrined in the Ramsar Convention and the Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses, despite Afghanistan's non-membership, have acquired customary status. The customary principles of protecting international wetlands, reasonable and equitable utilization of international watercourses, and the prohibition of harm to other states' environments compel Afghanistan to reasonably use the waterways leading to the wetland and to provide water rights for the protection of its ecosystem.

Specific treaties, state practice in domestic legislation, and soft law instruments are also playing an increasingly vital role in solidifying the allocation of environmental flows. These legal requirements enhance Iran's bargaining power in political negotiations with the Afghan government and can be effective alongside other strategies.



NUMBER OF TABLES

0



NUMBER OF FIGURES

0



NUMBER OF REFERENCES

42

مقاله پژوهشی

جریان زیست محیطی تالابهای بین المللی در پرتو اسناد ملی و بین المللی (مطالعه موردی تالاب بین المللی

هامون): (حقوق دریا)

اسماء سالاری^{۱*}^۱ استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

پیشینه و مبانی نظری پژوهش: تالاب بین المللی هامون به عنوان یکی از ذخیره گاه های زیست کره، با تنوع گونه های زیستی غنی و ظرفیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارزشمند برای مردمان بومی، در حال نابودی است که آثار آن به وضوح با بروز تغییرات اقلیمی، طوفان های گرد و غبار و مهاجرت مردم محلی قابل مشاهده است. صرف نظر از عوامل داخلی، از مهم ترین دلایل ایجاد این وضعیت، نحوه بهره برداری دولت بالادست از رود های منتهی به تالاب است. در معاهده چالشی ۱۳۵۱ میان ایران و افغانستان راجع به رود هیرمند، صرفاً حقایق کشاورزی و شرب پیش بینی شده و حقایق زیست محیطی برای تالاب لحاظ نشده است. اهمیت این پهنه زیستی برای مردمان سیستان باعث شد تا پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این سؤال برآید که وضعیت حقوقی حقایق یا همان جریان های آبی زیست محیطی یک تالاب بین المللی چگونه است و تعهدات معاهداتی و عرفی دولت افغانستان تا چه میزان تأمین این جریان را مقرر می کند.

روش شناسی: شیوه انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و داده ها از منابع کتابخانه ای مشتمل بر اسناد بین المللی، آرای دادگاه های بین المللی و نظریات حقوق دانان به دست آمده است.

یافته ها: جریان های زیست محیطی بالذات و به صراحت تعهد لازم الاجرا برای افغانستان نیست لکن بر پایه برخی قواعد معاهداتی و عرفی دیگر، الزام به تأمین آن برای دولت های میزبان آب های منتهی به یک تالاب بین المللی است.

نتیجه گیری: اگرچه معاهده ای اختصاصی برای جریان های زیست محیطی در حقوق بین الملل وجود ندارد لکن مواد برخی معاهدات می تواند ضرورت حفظ این گونه جریان آبی و حفظ اکوسیستم تالاب ها را اثبات کند. دولت افغانستان در راستای عمل به تکالیف معاهداتی خود ذیل کنوانسیون تنوع زیستی ملزم به اتخاذ اقدامات مقتضی در حفظ گونه ها و اکوسیستم ها است. با توجه به غنای قابل توجه گونه های آبی و خشک زی جانوری و گیاهی در تالاب هامون و ارزشمندی این گستره به عنوان یک اکوسیستم، دولت افغانستان مکلف به اتخاذ اقدام در حفاظت از آن است. بدیهی ترین نوع اقدام، بهره برداری منصفانه از آبراه های بین المللی منتهی به تالاب و تخصیص حقایق زیست محیطی به آن است. به علاوه بر اساس مصوبات کنفرانس اعضا کنوانسیون تنوع زیستی، که تحت قواعد تفسیر به عنوان رویه بعدی دول متعاقد لحاظ می شود، افغانستان مکلف به اعمال رویکرد اکوسیستمی نسبت به تالاب است. از سوی دیگر تالاب هامون در کنار ظرفیت زیستگاهی گونه های مختلف، میزبان پرندگان مهاجر است که با توجه به عضویت افغانستان در کنوانسیون حفاظت از گونه های مهاجر جانوران وحشی، ملزم به حفاظت از این گستره می باشد که باز هم از مسیر تخصیص آب مناسب به آن می گذرد. افغانستان بر اساس تعهدات کنوانسیون مقابله با بیابان زایی و اثرات اقداماتش در بالادست نیز مکلف به تأمین جریان آب برای پایین دست و تالاب هامون است.

تعهدات مندرج در کنوانسیون رامسر و معاهده راجع به حقوق استفاده های غیر کشتیرانی از آبراه های بین المللی نیز به رغم عدم عضویت افغانستان ویژگی عرفی یافته و اصول عرفی حفاظت از تالاب های بین المللی، استفاده معقول و منصفانه از آبراه های بین المللی و منع آسیب به محیط زیست دولت های دیگر، این کشور را ملزم به استفاده معقول از آبراه های منتهی به تالاب و تأمین حقایق جهت حفاظت از اکوسیستم تالاب می کند.

معاهدات موردی، رویه دولت ها در قانون گذاری داخلی، اسناد حقوق نرم نیز در قوام هر چه بیشتر تخصیص جریان زیست محیطی در حال ایفای نقش هستند. این الزامات حقوقی، قدرت چانه زنی ایران در مذاکرات سیاسی با دولت افغانستان را غنا می بخشد و در کنار سایر راهبردها می تواند اثرگذار باشد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۱

تاریخ بازبینی: ۱۴۰۴/۶/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱۵

واژگان کلیدی:

استفاده معقول و منصفانه

تالاب هامون

تنوع زیستی

جریان زیست محیطی

*نویسنده مسئول

✉ salari@Neyshabur.ac.ir

مقدمه

و استرالیا گنجانده شده است لکن استناد به آن در سیاق فرامرزی، به ویژه در مناطقی با تنش‌های ژئوپلیتیکی، همچنان چالش برانگیز است. بر اساس شواهد و مستندات عینی و پژوهش‌های متعدد^۲ اقدامات دولت افغانستان بر رودهای منتهی به تالاب، نقش مهمی در تخریب و خشکی آن داشته و دارد. این خشک شدن، اثرات مخربی بر تنوع زیستی، کیفیت هوا، اقلیم منطقه و معیشت جوامع محلی داشته و منجر به مهاجرت اجباری، فقر و محرومیت در منطقه سیستان و بلوچستان شده است. اهمیت انجام این تحقیق از منظرهای متفاوت زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی قابل دفاع و تبیین است لکن این پژوهش در صدد است امکان طرح حقایق تالاب هامون را در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به بحث بگذارد و محدوده حاکمیت هر دولت در بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی منتهی به تالاب‌ها را واکاوی کند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران، حقوق‌دانان، فعالان محیط‌زیست و جوامع محلی مفید باشد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به غنی‌سازی ادبیات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در زمینه حقایق‌های آبی اکوسیستم‌ها کمک کند.

نوآوری این پژوهش در آن است که با بررسی موضوع و استفاده از آخرین تحولات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مبانی حقوقی مورد استناد برای این گونه جریان آبی برای تالاب‌های بین‌المللی را مشخص می‌سازد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و داده‌های مورد استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل اسناد بین‌المللی، آرای دادگاه‌های بین‌المللی و نظریات حقوق‌دانان در مقالات علمی به دست آمده است. ابتدا تالاب معرفی می‌گردد، سپس محدوده اختیار دولت بالادست در نحوه بهره‌برداری از آبراه و مفهوم جریان زیست‌محیطی تبیین می‌شود. در ادامه جایگاه این جریان آبی در قوانین داخلی، معاهدات بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی تحلیل می‌گردد و در نهایت بر اساس یافته‌ها، تعهدات حقوقی افغانستان بر تخصیص جریان زیست‌محیطی تالاب مشخص می‌شود.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۱. معرفی، موقعیت مکانی، ویژگی‌های زیستی و منابع آبی تالاب

تالاب بین‌المللی هامون، مجموعه تالابی واقع در دشت سیستان با آب شیرین است که از سه تالاب هامون صابری (صابوری)، انتهای جنوبی هامون پوزک و هامون هیرمند تشکیل شده است و در تاریخ ۱۹۷۵ در سایت کنوانسیون بین‌المللی رامسر به ثبت رسید. این منطقه با توجه به بند الف ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست موضوع مصوبه شماره ۸ مورخ ۱۳۴۲ شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید، منطقه حفاظت شده اعلام گردید و در تاریخ ۱۳۸۶ به پناهگاه حیات وحش هامون ارتقا درجه یافت. [۶] همچنین در اسفند ۱۳۹۴ در چهارمین کنگره جهانی ذخیره‌گاه‌های

تالاب‌ها، یکی از ارزشمندترین منابع طبیعی روی زمین هستند. کارکرد اصلی اکولوژیکی آنها، فراهم آوردن زیستگاه مناسب برای اکوسیستم‌های ساحلی و آبی از طریق ذخیره و رهاسازی آب‌های سطحی، بهبود کنترل سیل و تقویت آب‌های زیرزمینی است. آنها زیستگاهی مناسب برای پرندگان آبی و ساحلی و همچنین کانون‌های تنوع زیستی هستند. عمل اصلی آنها که به خدمات زیست‌محیطی معروف است، بهبود کیفیت آب، کنترل فرسایش و کاهش رسوب است؛ به عبارتی تالاب‌ها، فیلتر طبیعی رودخانه‌ها هستند. [۱]

با آشکارشدن اهمیت این پدیده طبیعی و ظهور حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مقرراتی ناظر بر تالاب‌ها جهت اجرا در داخل و در روابط میان دولت‌ها شکل گرفت و به تدریج در حال تقویت است. این روند رو به گسترش با هدف حفظ و احیای اکوسیستم تالاب‌ها در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل ریشه دوانده است. زمانی که تالاب و رودهای منتهی به آن در قلمرو بیش از یک دولت قرار داشته باشد، وجود قواعد ضرورت بیشتری می‌یابد و اجرای آنها با مشکل بیشتری مواجه می‌شود. [۲]

در حال حاضر، یک سوم تالاب‌های حفاظت شده جهان، حوضه‌های آبریز رودخانه‌های فرامرزی هستند. [۳] یکی از این تالاب‌ها؛ تالاب‌های بین‌المللی هامون است که وضعیت حقوقی حقایق آن موضوع پژوهش پیش رو است.

تالاب‌های هامون، از سه دریاچه آب شیرین هامون صابری (صابوری)، هامون پوزک و هامون هیرمند در مرز ایران و افغانستان تشکیل شده که سرچشمه رودهای منتهی به آن، عمدتاً در افغانستان قرار دارد. (زین پس تالاب هامون) این اکوسیستم فرامرزی حیاتی، از دیرباز نقش مهمی در معیشت مردمان منطقه، حفظ گونه‌های گیاهی، جانوری و ثبات اقلیم منطقه داشته که متأسفانه در دهه‌های اخیر با چالش‌های زیست‌محیطی جدی مواجه شده است. این تالاب‌ها در تاریخ ۱۹۷۵ در سایت کنوانسیون بین‌المللی رامسر ثبت شدند لکن وضعیت آنها در پی بروز تغییرات اقلیمی، شیوه بهره‌برداری مفرط دولت بالادست از آبراه‌های منتهی به آن و شیوه‌های نامناسب مدیریت آب در داخل ناپایدار شده و در تاریخ ۱۹۹۰/۷/۴ در لیست تالاب‌های در معرض خطر مونتره^۱ قرار گرفته‌اند. [۵]

حقایق، به عنوان حق استفاده از آب یک رودخانه یا آب‌های مشترک، مفهومی است که در حقوق محیط‌زیست مرتبط با تالاب‌ها با اصطلاح جریان‌های زیست‌محیطی (environmental flows) شناخته می‌شود و به عنوان مقدار، زمان‌بندی و کیفیت جریان‌های آب مورد نیاز برای حفظ اکوسیستم‌های آب شیرین تعریف می‌گردد.

جریان زیست‌محیطی مدتی است که در کانون توجه و عمل کشورها قرار گرفته است. این نوع جریان آبی، در سیاست‌گذاری‌های ایالات متحده، اتحادیه اروپا و در قوانین کشورهایی چون سوئیس، آلمان، فرانسه، انگلیس

^۲ Palash & Kardavani, 2009; Karami et al., 2024; Zolfagari & Khosravani, 2021

^۱ فهرست مونتره مربوط به تالاب‌هایی است که از معیارهای کنوانسیون رامسر فاصله گرفته‌اند و ویژگی اکولوژیک آنها مورد تهدید است و دولت‌ها باید اتخاذ اقدامات یا بهره‌گیری از سازوکار مشورتی رامسر شرایط زیست‌محیطی تالاب بهبود بخشند. [۴]

زیست کره^۱ به میزبانی پرو، به عنوان دوازدهمین ذخیره گاه زیست کره ایران ثبت جهانی شد. [۷]

پوشش گیاهی عمده، نی، لویی، بونی، چمن شور ساحلی، گز، اویار سلام و جگن است. تولیدات تالاب، ماهی، علوفه (نی، اویار سلام، جگن و بونی)، گیاهان دارویی، چوب (بادشکن و هیزم) و در منطقه کشاورزی؛ گندم، جو، سورگوم و خربزه است. اهمیت این دریاچه نه تنها به خاطر امکان پرورش و صید ماهی، تأمین علوفه دامها از نیزارهای داخل دریاچه، شکار پرندگان آبی و تأمین مواد اولیه مشاغلی چون حصیربافی و پرده بافی است؛ بلکه به دلیل ارزش زیستگاهی آن به عنوان یک بوم سازگان یا اکوسیستم می باشد. هر یک از سه تالاب یادشده از منابع آبی جداگانه ای تغذیه می کنند و در مواقع حداکثر آبیگری به هم می پیوندند و به هنگام پراپی و سیلاب های شدید، آب اضافی این تالاب ها از طریق رود شیل به شوره زاری به نام گود زره در کشور افغانستان تخلیه می شود. رودخانه هیرمند، اصلی ترین منبع تغذیه کننده این تالاب هاست. سایر رودخانه ها مثل خاش، هاروت، فراه، شور، حسین آباد و نهبدان از دیگر منابع تغذیه دریاچه هامون هستند. [۶]

هیرمند یکی از رودهای بین المللی فرامرزی و جزء ۱۰ رودخانه بزرگ و مهم آسیا است که از کوه های بابایغما در جنوب سلسله جبال هندوکش سرچشمه گرفته و بعد از طی صدها فرسنگ و پیوستن به رودخانه دیگری به نام ارغنداب از جنوب باختری کابل گذشته و وارد دشت مارگو می شود. این رودخانه، در محل بند کمالخان واقع در خاک افغانستان تغییر مسیر داده و به شمال منحرف می گردد و در بند کهک واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی زابل وارد خاک ایران می شود. از این نقطه به دو شاخه سیستم و پریان تقسیم می شود که شعبه سیستم به خاک ایران می آید. از تأسیسات اصلی بر رودخانه هیرمند در کشور افغانستان، سد کجکی و سد دهلا و از تأسیسات مهم بر این رودخانه در ایران می توان سه مخزن چاه نیمه، سد کهک، سد زهک و سد سیستم اشاره کرد. [۹]

از حیث وضعیت حقوقی بهره برداری از رود هیرمند به طور خلاصه می توان گفت با استقلال افغانستان از ایران بر اساس معاهده ۱۸۳۷ پاریس، مسئله تقسیم هیرمند به داوری انگلستان سپرده شد. سر فردریک گلد اسمیت در ۱۹ آگوست ۱۸۷۲، منطقه بالادست کوهک را به افغانستان داد و بستر اصلی هیرمند در پایین دست کوهک را مرز شرقی سیستم ایران تعیین کرد. همچنین افغانستان را از ایجاد تأسیساتی که سبب کاهش آب مورد نیاز اراضی ایران شود، ممنوع کرد. با تغییرات بستر هیرمند و بلا استفاده شدن برخی تأسیسات و کانال های آبیاری، افغانستان شبکه های جدید ایجاد نمود که مورد اعتراض مردم و مقامات محلی ایران قرار گرفت. ضوع مجدداً به داوری رفت و سرهنگ مک ماهون، در رأی مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۰۵ با ملاحظه اوضاع و احوال جغرافیایی و خصوصیات آبرسانی

هیرمند، افغانستان را مجاز به ایجاد تأسیسات جدید شناخت با این قید که یک سوم رودخانه به ایران اختصاص یابد. به جهت عدم صلاحیت داوری در تعیین حقایق، ایران رأی را نپذیرفت. با مساعی جمیله امریکا در دهه هفتاد میلادی، هیئت فنی بی طرفی مرکب از سه کارشناس منتخب طرفین (کمسیون دلتا) تشکیل و پیشنهاد ۲۲ متر مکعب آب در هر ثانیه برای ایران را پیشنهاد کرد؛ مقداری بسیار کمتر از نظر مک ماهون که این رأی نیز مورد مخالفت ایران واقع شد. سرانجام در ۱۳ مارس ۱۹۷۳ (۲۲ اسفند ۱۳۵۱) معاهده تقسیم آب هیرمند، بر اساس توصیه های همان هیئت در کابل به امضا رسید. مطابق ماده ۲ معاهده که اشاراتی صریح به گزارش هیئت مزبور دارد افغانستان متعهد به تحویل ۲۲ متر مکعب آب در ثانیه به طور متوسط در سال نرمال آبی است. همچنین، افغانستان برای اثبات حسن نیت و تحکیم روابط برادرانه با ایران، خود را ملزم کرد که ۴ متر مکعب در ثانیه علاوه بر مقدار مذکور به ایران بدهد. اگرچه به جهت تخریب ایستگاه آب شناسی دهرآود، مواضع تحویل دهی آب در میان نقاط ۵۱ و ۵۲ و مناقشات سیاسی حقایق مذکور نیز کمتر اجرا می شود. [۱۰]

مطالعه این عهدنامه از جمله مواد ۲ و ۶ نشان می دهد که حقایق مقرر در این معاهده، برای شرب، آبیاری و زراعت تخصیص یافته و معطوف به نیاز زیستی تالاب و حفظ اکوسیستم آن نیست؛ لذا دولت افغانستان ضمن کارشکنی در تخصیص حقایق زراعت و شرب، تکلیف معاهداتی در پیش بینی حقایق برای تالاب ها ندارد و بی محابا طرح های مختلف برداشت آب را در سرزمینش اجرا می کند.

رود دیگری که تالاب صابوری به آن وابسته است، فراه می باشد که تکمیل ساخت بخش آباد عمده آب آن را قبل از رسیدن به تالاب مهار می کند. ریشه این اقدامات، تلقی متفاوت از اصل حاکمیت دولت بر منابع طبیعی است. برخلاف افغانستان که به حاکمیت مطلق بر آبراه های بین المللی درون سرزمینش اعتقاد دارد، نظریه حاکمیت محدود بر منابع مشترک در حقوق بین الملل پذیرفته شده است. طبق این نگاه معتدل، هر کشور ساحلی، حق بهره برداری از رودخانه های بین المللی جاری در کشور خود را دارد لکن با رعایت این محدودیت که استفاده آن کشور سبب ورود خسارت به قلمرو سرزمینی دیگر کشورها نگردد. در رأی دیوان دائمی دادگستری در سال ۱۹۲۹ در باب صلاحیت سرزمینی کمسیون ادر، [۱۱] تأکید شد که باید منافع کلیه طرفین نسبت به بهره برداری از رودخانه و ممنوعیت امتیاز تبعیض آمیز برای هر یک از دول هم جوار لحاظ شود. همچنین اصل مشابهی در رأی دیوان دادگستری در قضیه رودخانه میوز (بین بلژیک و هلند) [۱۲] و در رأی هیئت داوری در قضیه دلتای رودخانه هلمند در ۱۸۷۲ اعلام گردید.^۲ به علاوه در اختلاف میان فرانسه و اسپانیا

^۱ توضیح آنکه ذخیره گاه زیست کره، مکان های یادگیری برای توسعه پایدار هستند که راه حل های سازگار با حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار آن را ترویج می دهد. ذخایر زیست کره شامل اکوسیستم های زمینی، دریایی و ساحلی است. هر سایت راه حل های سازگار با حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار آن را ارائه می دهد. وجه تمایز ذخیره گاه های زیست کره از دیگر طبقات حفاظت شده، روش برنامه ریزی و مدیریت مناسب آنهاست که بر پایه استفاده های چندمنظوره و سپردن نقش اساسی و سازنده به جوامع محلی استوار است.

^۲ این مطلب باید به خوبی درک شود که هیچکاری در هر طرف رودخانه نباید انجام پذیرد که با تهیه آب لازم برای کشاورزی در سواحل رودخانه هلمند تراحم و مداخله به حساب آید» [۱۳]

حفظ و احیاء جریان‌های زیست‌محیطی، این اقدامات را انجام دهند: تخمین فوری نیازهای جریان‌های زیست‌محیطی در همه‌جا، ادغام مدیریت جریان‌های زیست‌محیطی در همه جنبه‌های مدیریت زمین و آب، برقراری چارچوب‌های نهادین (وضع قوانین، مقررات، سیاست و برنامه مقتضی)، ادغام مدیریت کیفیت آب، کاهش و تصفیه فاضلاب، درگیر کردن فعالانه همه ذی‌نفعان، اجرا و اعمال استانداردهای جریان‌های زیست‌محیطی مانند اصل احتیاط و اقدام بر پایه بهترین دانش موجود، شناسایی و حفظ شبکه جهانی رودخانه‌های آزاد و پایش عملکرد. [۲۰]

جریان‌های زیست‌محیطی در واقع تعادلی بین توسعه منابع آب و نیاز به حفاظت از اکوسیستم‌های وابسته به آب شیرین است. برآورد دقیق جریان‌های زیست‌محیطی، به دلیل فقدان داده‌های کمی در مورد روابط بین جریان‌های رودخانه و اجزای متعدد اکولوژی رودخانه و علم به کلیه متغیرها پیچیده است. [۲۱] به علاوه، تعیین میزان مطلوب جریان، یک قضاوت اجتماعی است که از کشوری به کشور دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر با توجه به ملاحظات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مصارف آب‌های رودخانه متفاوت خواهد بود. در مجموع مفهوم کلیدی این پژوهش، از تأمین «حداقل جریان» در ابتدا به سمت شناخت «نیاز به تعیین یک رژیم توافق‌شده برای جریان‌های زیست‌محیطی» حرکت کرده است. [۱۸]

پس از درک مفهوم جریان زیست‌محیطی گاه آن است که جایگاه حقوقی این مفهوم را در نظام‌های حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل شناسایی کنیم. ۲.۱. جایگاه جریان زیست‌محیطی در نظام قانونگذاری ملی و منطقه‌ای قبل از اشاره گذرا به نقش جریان زیست‌محیطی در مصوبات اتحادیه اروپا و در قوانین برخی کشورها، ذکر نکته‌ای ضرورت دارد. حفظ جریان زیست‌محیطی موضوعی است که قبل از طرح در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط با تالاب‌ها یا نحوه استفاده از آبراه‌ها، در برخی نظام‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته است. به طور مثال در گزارش سال ۱۹۹۹ اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، شواهد قانون‌گذاری دولت‌های استرالیا (به ویژه ایالت تاسمانی)، انگلیس، فرانسه، آفریقای جنوبی، سوئیس و ایالات متحده ارائه شده است. [۲۲] با شکل‌گیری معاهدات بین‌المللی، این قوانین قوام یافته و در آثار حقوق‌دانانی چون شینوزاکی و شیراکاوا، ماسری، چن، هاروود، ریچال و آلفردسون مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

اتحادیه اروپا/دستورالعمل چارچوب آب اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۰ تصویب شد و سنگ بنای قوانین این حوزه در کشورهای اتحادیه اروپا است. هدف آن، ایجاد چارچوب برای حفاظت از تمام آب‌ها است و اینکه وضعیت اکوسیستم‌های آبی و زمینی وابسته را محافظت و بهبود بخشد. این دستورالعمل، برای اولین بار ارتباط یکپارچه بین کیفیت و کمیت آب را در نظر می‌گیرد. در قسمت ابتدایی دستورالعمل، بیان شده است که اصول مشترک برای هماهنگی میان تلاش‌های کشورهای عضو نیاز است تا حفاظت از آب‌های جامعه از نظر کمیت و کیفیت، ترویج استفاده پایدار از آب، کمک به کنترل مشکلات آب‌های مرزی، حفاظت از اکوسیستم‌های آبی و اکوسیستم‌های زمینی و تالاب‌های مستقیماً وابسته به آن‌ها و حفاظت و توسعه کاربردهای بالقوه آب‌های جامعه صورت پذیرد. اگرچه این سند

در رابطه با بهره‌برداری از آب‌های دریایچه لانو در سال ۱۹۵۷، بر اصل مهم حمایت از منافع کلیه دول هم‌جوار آبراه تأکید شد. [۱۴] این دیدگاه که حقوق دولت‌ها در استفاده از رودخانه‌های مشترک نامحدود نیست، اکنون به خوبی تثبیت شده و در عرف بین‌المللی منعکس شده است. [۱۵]

پس از آگاهی از نبود اختیار مطلق برای دولت‌ها در استفاده از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در سرزمینشان، (اعم از مرزی و متوالی) و از آنجا که هیرمند یک رودخانه بین‌المللی است، نوبت آن است که معنا و مفهوم حقابه که در حقوق بین‌الملل تحت عنوان جریان زیست‌محیطی مطرح شده است را تبیین نماییم.

۲. جریان زیست‌محیطی (حقابه)

در آثار حقوق‌دانان و اسناد بین‌المللی، تعاریف متفاوتی از جریان زیست‌محیطی شده است. جریان زیست‌محیطی، رژیمی آبی است که در یک رودخانه، تالاب یا منطقه ساحلی برای حفظ اکوسیستم‌ها و مزایای آن‌ها در جایی که مصارف رقابتی آب وجود دارد و جریان‌ها تنظیم می‌شوند، مشخص می‌گردد. [۱۶] در تعریفی دیگر، جریان‌های زیست‌محیطی، مقدار آبی است که در رودخانه باقی می‌ماند تا همچنان خدمات اکوسیستم آبی را ارائه دهد و یکپارچگی رودخانه را حفظ کند. [۱۷] گزارش نهایی کمیسیون جهانی سدها (World Commission on Dams)، جریان‌های زیست‌محیطی را به عنوان «رهاسازی خاص آب از یک سد برای اطمینان از حفظ اکوسیستم‌های آبی پایین‌دست و گونه‌های کلیدی» تعریف کرده است. این جریان‌ها ممکن است شامل جریان‌های فصلی یا سالانه و/یا پالس‌های منظم یا نامنظم برای پاسخگویی به نیازهای اکوسیستم یا تأمین نیازهای معیشتی افراد آسیب‌دیده پایین‌دست باشد. علت محدودکردن تعریف به رهاسازی از سدها، تمرکز اصلی کمیسیون بر موضوع سدهاست. بانک جهانی بر بعد تخصیص آب جریان‌های زیست‌محیطی تأکید می‌کند و آن را به عنوان «آبی که برای هدف خاص مدیریت وضعیت آن اکوسیستم در یک اکوسیستم رودخانه‌ای باقی می‌ماند یا به آن رها می‌شود» شناخته است. [۱۸]

معتبرترین تعریف در اعلامیه بیستمین کنفرانس بین‌المللی رودخانه‌شناسی و جریان‌های زیست‌محیطی در بریزبن در سال ۲۰۱۸ [۱۹] ارائه شده است. این کنفرانس، ضمن ارزیابی آثار اعلامیه بریزبن در مورد جریان‌های زیست‌محیطی (۲۰۰۷)، اعلامیه و برنامه اقدامی در این خصوص ارائه نمود. طبق تعریف تجدید نظر شده، جریان‌های زیست‌محیطی، کمیت، زمان‌بندی و کیفیت جریان‌ها و سطوح آب شیرین لازم برای حفظ اکوسیستم‌های آبی را توصیف می‌کنند که به نوبه خود از فرهنگ‌ها، اقتصادها، معیشت‌های پایدار و رفاه انسان‌ها حمایت می‌کنند. این تعریف، اکوسیستم‌های جریان‌دار (lotic)، راکد (lentic) و وابسته به آب‌های زیرزمینی و همچنین اکوسیستم‌های آبی که ممکن است بین این حالت‌ها متناوب باشند (مانند جریان‌های موقت و رودخانه‌های متناوب) را نیز در بر می‌گیرد. عنصر مهم جدید در اعلامیه بریزبن ۲۰۱۸ و برنامه اقدام، تأکید بر مشارکت کامل و برابر مردم از همه فرهنگ‌ها و احترام به باورها، ارزش‌ها، دانش، حقوق، مسئولیت‌ها و سیستم‌های حکمرانی آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های آب محیطی است. برنامه اقدام از همگان می‌خواهد جهت

زیست‌محیطی برای پاسخگویی به تقاضای دستورالعمل آب اتحادیه اروپا وجود نداشت. لکن قانون فدرال آب مصوب ۲۰۱۰ در راستای حفظ حداقل جریان برای ملاحظات اکولوژیکی تدوین شد. [۱۷]

در ژاپن، جریان‌های زیست‌محیطی مطابق با قوانین ملی تنظیم می‌شود. طبق ماده ۱ قانون رودخانه، جریان طبیعی آب یا جریان نرمال باید در کانال‌های رودخانه حفظ یا تخصیص داده شود. جریان نرمال، مجموع آبی است که از رودخانه برای استفاده انسانی برداشت می‌شود و جریان نگهداری، آبی است که برای حفظ محیط رودخانه‌ای سالم و خدمات اکوسیستمی مورد نیاز است و معادل جریان زیست‌محیطی است. بند ۳ ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون رودخانه، مقرر می‌کند که الزامات جریان زیست‌محیطی، باید در سیاست‌های اساسی و برنامه‌های مدیریت رودخانه ردهای کلاس A که توسط دولت مرکزی ژاپن مدیریت می‌شوند، گنجانده شود. [۲۵] سوئیس، عضو اتحادیه اروپا نیست و نیازی به رعایت الزامات اتحادیه اروپا ندارد اما دارای مجموعه متمایزی از سیستم‌های جریان‌های زیست‌محیطی است. قانون حفاظت از آب سوئیس، مقادیر حداقل جریان زیست‌محیطی را تعیین نموده و مقرر کرده که بسته به عوامل جغرافیایی و اکولوژیکی، حفظ یا افزایش یابد. مطابق با مقررات آب باقیمانده سوئیس، تضمین جریان کافی آب باقیمانده در یک مسیر آبی برای حفظ تنوع زیستی در حیوانات و گیاهانی که به رودخانه‌ها وابسته هستند و برای حفاظت از جمعیت‌های ماهیان بومی و تکثیر و تنوع چشم‌انداز آنها، ضروری است. [۱۷]

جریان‌های زیست‌محیطی در ایالات متحده با عنوان جریان‌های درون رودخانه به رسمیت شناخته شده است. در سطح فدرال، در سال ۱۹۶۸ قانون رودخانه‌های وحشی و دیدنی (۱۹۶۸) تصویب شد که حفاظت از رودخانه‌های دارای ارزش طبیعی، فرهنگی و تفریحی برجسته، از جمله از طریق حفظ جریان آزاد در آن‌ها را الزامی می‌کند. [۲] در سطح ایالت‌ها، تعیین میزان و قواعد این جریان‌ها، مطابق با سنت‌ها و ویژگی‌های هر منطقه تعیین می‌شود. قانون فلوریدا مقرر داشته است که مدیریت آب ایالتی یا اداره حفاظت محیط زیست، حداقل جریان‌ها و سطوح برای آبخوان‌ها و آب‌های سطحی را که در آن برداشت‌های بیشتر به طور قابل توجهی برای منابع آب یا اکولوژی منطقه مضر خواهد بود را تعیین کنند. قانون مصوب مجلس کنتاکی ابتدا حفاظت از جریان‌های زیست‌محیطی را برای رودخانه‌ها و نه‌رهای زیستگاه ماهیها مقرر می‌کرد اما در سال ۲۰۰۵، اداره حفاظت محیط‌زیست موظف شد مقررات جریان‌های زیست‌محیطی را برای همه رودخانه‌ها و نه‌رهای ایالت تدوین کند و در عین حال سایر مصارف آب را نیز مشخص نماید. [۱۷]

اسپانیا به دلیل موقعیت جغرافیایی خود طیف گسترده‌ای از شرایط آب و هوایی را پوشش می‌دهد و تحت تأثیر هر دو اقلیم مدیترانه‌ای و اطلس با تنوع محیط‌های خشک داخلی قرار دارد. سازمان اداری در اسپانیا غیرمتمرکز است و ۱۷ جامعه خودمختار دارای قدرت اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی هستند. این جوامع خودمختار، صلاحیت مدیریت منابع محیطی را با دولت مرکزی تقسیم می‌کنند. شورای ملی آب با حضور نمایندگان دولت، ایالات، سازمان‌های مدیریت حوزه آبخیز و ذی‌نفعان، طرح ملی، طرح مدیریت حوزه یا سایر پروژه‌های مدیریت آب را تصویب می‌کند. در شورا،

صراحتاً به جریان‌های زیست‌محیطی اشاره نمی‌کند اما به طور کلی پذیرفته است که رژیم‌های آب شناسی مناسب از نظر اکولوژیکی برای دستیابی به این وضعیت مهم هستند و اجرای جریان‌های زیست‌محیطی یک اقدام کلیدی برای احیا و مدیریت اکوسیستم‌های رودخانه‌ای خواهد بود. [۱۷] پس از دستورالعمل مذکور، کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۵ توصیه کرده است که جریان‌های زیست‌محیطی در برنامه‌های مدیریت حوضه‌های رودخانه‌ای گنجانده شود. [۲]

در میان کشورها، فرانسه یکی از اولین کشورهایی است که محدودیت کمی برای جریان‌های زیست‌محیطی در قوانین خود وضع کرده است. در قانون ماهیگیری آب شیرین فرانسه ۱۹۸۴، برای سدهای ساخته شده و سدهای آبی، حفظ حداقل جریان آبی مشخص شده است. طبق ماده L432-5 قانون محیط زیست فرانسه سال ۲۰۰۰ که در قانون محیط زیست سال ۲۰۱۰ نیز با اصلاحاتی تکرار شد، هر ساختاری که در بستر رودخانه ساخته شود باید شامل دستگاه‌هایی باشد که تضمین کند حداقل جریان در این بستر برای حفظ حیات، گردش و تولید مثل گونه‌هایی که در زمان ساخت سازه در آب‌ها زندگی می‌کنند، وجود دارد. [۱۷]

در نپال، با تصویب قانون منابع آب در سال ۱۹۹۲ به حفاظت محیط‌زیست در جریان توسعه پروژه‌های برق آبی توجه گردید. سپس تصویب قانون حفاظت محیط‌زیست در سال ۱۹۹۷، ضرورت انجام ارزیابی اولیه محیط زیستی (IEE) و ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) را برای پروژه‌ها بر اساس ظرفیت آن‌ها تعیین کرد. در ادامه، سیاست توسعه برق آبی سال ۲۰۰۱، به طور خاص به میزان حداقل جریان قابل رهاسازی اشاره و بیان داشت که رهاسازی برای پایین‌دست باید حفظ شود (۱۰٪ از حداقل متوسط جریان ماهانه یا مقدار مشخص‌شده در مطالعه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، هر کدام که بیشتر باشد) بنابراین، تمام پروژه‌های مجوزدار پس از سال ۲۰۰۱ نیازمند یک معیار حداقل جریان آب هستند. [۲۳]

در بریتانیا، قانون منابع آب سال ۱۹۶۳، مقرراتی در مورد «حداقل جریان قابل قبول» را در خود جای داده است. از آن زمان، سیستم حداقل جریان‌های قابل قبول حفظ و توسعه یافته است. قانون فعلی که شامل جریان‌های زیست‌محیطی است، قانون منابع آب ۱۹۹۱ است که بخش ۲۱ آن با عنوان حداقل جریان‌های قابل قبول، نحوه تعیین یا اصلاح میزان این جریان‌ها را مشخص کرده است. [۱۷]

در نروژ، رهاسازی حداقل جریان از دهه ۱۹۷۰ جهت اخذ مجوز راه اندازی پروژه‌های آبی الزامی شد و در سال ۲۰۰۰ در قانون منابع آبی این کشور گنجانده شد. این مصوبه، قانون اصلی حاکم بر استفاده از منابع آب‌های شیرین است که اهداف اصلی آن، ارتقا توسعه پایدار، حفظ تنوع زیستی و فرایندهای طبیعی در سیستم‌های رودخانه‌ای است. طبق بخش ۱۰، هنگامی که آب برداشت یا منحرف می‌شود و نرخ جریان در رودخانه‌ها یا نه‌رهای دائمی تغییر می‌کند، حداقل جریان آب باید حفظ شود مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نموده باشد. این امر همچنین در هنگام ذخیره آب با سدسازی اعمال می‌شود. [۲۴]

آلمان سرشار از منابع آب است و مشکل کمیت آب ندارد. قبل از سال ۲۰۱۰، هیچ مقررات ملی یکپارچه و اجباری در مورد جریان‌های

زیست‌محیطی رودخانه‌ها، تالاب‌ها، خورها، دریاچه‌ها و زیست‌بومها را تعیین و وزارت نیرو متناسب با شرایط ترسالی، عادی و خشکسالی سالانه نسبت به تخصیص حقابه موارد فوق اقدام کند. بر اساس بند ب ماده ۳۸ قانون برنامه هفتم، دولت (وزارت نیرو) مکلف است به منظور پایداری سرزمین و مدیریت یکپارچه تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور نسبت به ایجاد سازوکارهای اجرائی لازم تا پایان سال اول برنامه برای اجرای برنامه عمل ملی حفاظت و مدیریت تالاب‌ها با اولویت اجرای برنامه‌های جامع مدیریت زیست‌بومی، تخصیص و تأمین نیاز آبی زیست‌محیطی و جلوگیری از برداشت غیرمجاز این حقابه با تأکید بر وظایف و اختیارات وزارتخانه‌ها... و حتی‌المقدور با جلب مشارکت بهره‌برداران و جوامع محلی در دشت‌های پیرامون تالاب‌ها و دریاچه‌ها اقدام نماید.

۲.۲. جریان زیست محیطی در حقوق بین‌الملل

در حال حاضر، هیچ توافق بین‌المللی به طور خاص در مورد جریان‌های زیست‌محیطی وجود ندارد لکن مفاهیم حداقل جریان و جریان زیست‌محیطی در زمینه استفاده از آبراه‌ها و تعهدات قانونی مرتبط با آن‌ها یافت می‌شود و این معنای کلی از آن پذیرفته شده است که جریان‌های زیست‌محیطی، کمیت، زمان‌بندی و کیفیت جریان‌ها و سطوح آب شیرین لازم برای حفظ اکوسیستم‌های آبی را توصیف می‌کنند که به نوبه خود از فرهنگ‌ها، اقتصادها، معیشت‌های پایدار و رفاه انسان‌ها حمایت می‌نماید. در این قسمت، معاهدات بین‌المللی و آراء دادگاه‌های بین‌المللی مرتبط با جریان زیست‌محیطی مطرح می‌گردد.

۲.۲.۱. معاهدات بین‌المللی

الف) کنوانسیون رامسر

کنوانسیون تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی به ویژه به عنوان زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون رامسر) در ۱۹۷۱ در رامسر ایران تصویب و در ۱۹۷۵ لازم الاجرا شد و توسط پروتکل پاریس در ۳ دسامبر ۱۹۸۲ و اصلاحات رچینا در ۲۸ مه ۱۹۸۷ بازنگری شد. ایران در ۱۹۷۵/۱۲/۲۱ به عضویت کنوانسیون درآمد اما افغانستان در میان اعضا قرار ندارد. [۲۷] با توجه به عضویت ۱۷۲ دولت از تمام مناطق جغرافیایی در این معاهده، قواعد آن ویژگی عرفی یافته و به رغم عدم عضویت افغانستان، تعهدات معاهده بر آن کشور نیز لازم الاجراست.

مفهوم تالاب در کنوانسیون دارای تعریف گسترده‌ای است که در مأموریت آن شامل دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، باتلاق‌ها و مرداب‌ها، مراتع مرطوب، باتلاق‌های تورب دار، واحه‌ها، مصب‌ها، دلتاها و مناطق جزرومدی، مناطق دریایی نزدیک به ساحل، جنگل‌های حرا و صخره‌های مرجانی و مکان‌های ساخته شده توسط انسان مانند استخرهای پرورش ماهی، شالیزارها، سدها و شوره‌زارها است. [۲۸]

هدف اصلی کنوانسیون رامسر، حفاظت از تالاب‌ها برای زیستگاه پرندگان است که دامنه این هدف توسط کنفرانس اعضا گسترش یافته است. مقدمه کنوانسیون رامسر، نقش اکولوژیکی بنیادی تالاب‌ها را به عنوان تنظیم‌کننده‌های رژیم‌های آب تصدیق کرده و کنفرانس اعضا، نقش مهم هیدرولوژیکی، بیولوژیکی یا اکولوژیکی آن‌ها را در عملکرد حوضه‌های رودخانه‌ای تأیید نموده است. علت این امر، وجود رابطه اکولوژیکی پیچیده

نه کنفدراسیون مدیریت حوضه تأسیس شد که هر کدام توصیه جریان محیطی متفاوتی دارند. (به طور مثال در شمال، جنوب، ابرو و سگورا ۱۰ درصد جریان و و در تاگوس ۵۰ درصد حداقل جریان). [۲۹]

در سال ۱۹۹۴، ائتلاف دولت‌های استرالیا، (COAG) که در سال ۲۰۲۰ جای خود را به کابینه ملی داد، توافق‌نامه اصلاحات آب را امضا کرد و محیط‌زیست را به‌عنوان یک کاربر قانونی آب شناسایی کرد. این توافق‌نامه، حقوق تجاری مرتبط با تخصیص آب را محدود کرد مگر آنکه آب به محیط‌زیست اختصاص داده شده باشد. این تخصیص‌ها که به عنوان جریان‌های زیست‌محیطی شناخته می‌شوند، با هدف محافظت از سلامت اکوسیستم‌های طبیعی و در عین حال تأمین امنیت عرضه برای کاربران آب است. قانون آب استرالیا ۲۰۰۷، اولویت صریحی برای مقررات آب محیطی قائل نیست اما مستلزم آن است که به آب محیطی همان رسمیت قانونی که به حقوق آب مصرفی داده می‌شود، داده شود. بدین ترتیب، تخصیص‌های آب محیطی را در همان سطح سایر مصارف آب قرار می‌دهد. دولت قلمرو پایتخت استرالیا دستورالعمل تأمین جریان‌های زیست‌محیطی برای نیاز اکولوژیکی خاص را مصوب کرده است به‌عنوان مثال جریان آبی که برای تشویق تولیدمثل گونه‌ای از ماهی یا برای حفاظت از زیستگاه گونه‌ای قورباغه مورد نیاز است. در آفریقای جنوبی، جریان‌های زیست‌محیطی (که ذخیره اکولوژیکی نامیده می‌شود) در اولویت نسبت به سایر کاربران آب قرار دارند. قانون ملی آب آفریقای جنوبی نمونه‌ای از قانون‌گذاری خوب در مورد ملاحظات آب جریان‌های زیست‌محیطی است که در سال ۱۹۹۸ تصویب شد. این قانون خواستار ایجاد دو ذخیره آب است: یکی برای نیازهای انسانی و دیگری به‌عنوان ذخیره اکولوژیکی. ذخیره اکولوژیکی بر آبی تمرکز دارد که برای حفظ سلامت اکوسیستم، از جمله گونه‌های آبی مورد نیاز است. ذخیره اکولوژیکی به همراه ذخیره نیازهای اولیه انسانی، در بالاترین سطح اولویت برای استفاده از آب قرار گرفته است. [۱۷]

در ایران، طبق تبصره ۱ ماده ۱۸ قانون توزیع عادلانه آب، حقابه «حق مصرف آبی در دفاتر جزء قدیم یا اسناد مالکیت یا حکم دادگاه یا مدارک قانونی دیگر که قبل از تصویب این قانون برای ملک یا مالک تعیین شده باشد» که کاربر آن افراد است و از حق آب اکوسیستم‌ها منصرف است. معادل جریان زیست محیطی، نیاز آبی زیست محیطی است که ماده ۱ (ث) آیین‌نامه جلوگیری از تخریب و آلودگی غیرقابل جبران تالاب‌ها (۱۳۹۷)، «آب مورد نیاز برای حفظ ویژگی‌های تنوع زیستی و تأمین پایداری کارکردها و خدمات زیست‌بومی هر تالاب» است و منظور از پایداری تالاب نیز طبق بند د همان ماده، حفظ مستمر ویژگی‌های محیطی و تنوع زیستی تالاب و ارائه خدمات و کارکردهای متنوع آن برای جوامع انسانی است. در قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالاب‌های کشور مصوب ۱۳۹۶ ضمن اعلام ممنوعیت هرگونه بهره‌برداری و اقدامی که منجر به تخریب و آلودگی غیرقابل جبران تالاب‌ها گردد (ماده ۱)، سازمان مکلف است نیاز آبی زیست‌محیطی تالاب‌ها را تعیین و وزارت نیرو مکلف است ضمن تدوین و اجرای برنامه مدون نسبت به تخصیص و تأمین آن اقدام نماید. (ماده ۲) این وظیفه در ماده ۲۵ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ نیز بدین صورت تکرار شده است که سازمان مکلف است با همکاری وزارت نیرو نیاز آبی

همچنین اعضای کنوانسیون در سال ۲۰۰۲ قطعنامه‌ای تصویب کردند که طبق آن، جریان‌های زیست‌محیطی باید تا حد امکان از تداوم جریان طبیعی آب در رودخانه پیروی کنند تا اکوسیستم طبیعی حفظ شود. این مصوبه همچنین توصیه کرده است که ارزیابی‌های جریان‌های زیست‌محیطی برای کاهش تأثیرات اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی سدهای بزرگ بر تالاب‌ها انجام شود. [۳۰]

چنانچه مشاهده می‌شود حفظ تالاب‌ها و اکوسیستم آنها، تعهد عرفی بین‌المللی شده است که از جمله ملزومات عمل به این تعهد، حفظ جریان زیست‌محیطی و تخصیص حقایق تالاب‌ها توسط دولت‌های بالادست و مجاور تالاب است. مصوبات کنفرانس اعضای کنوانسیون رامسر نیز طبق اصول تفسیر مندرج در کنوانسیون وین، منعکس‌کننده عمل بعدی طرف‌ها در تفسیر و اجرای کنوانسیون است لذا امر ارشادی صرف نیست. [۳] لکن متأسفانه به رغم وجود تعهدات پیش گفته و عرفی بودن آن تعهدات در حقوق بین‌الملل، دولت افغانستان مکرراً این تعهدات عرفی را نقض نموده و با بهره‌برداری ناصحیح از آبراه‌های منتهی به تالاب، باعث شده تا سه تالاب انتهایی جنوبی هامون پوزک و هامون صابری و هامون هیرمند وارد لیست مونثرو گردند.

ب. کنوانسیون تنوع زیستی

اکوسیستم‌های آب شیرین و تالابی به رغم گستردگی مکانی محدود، میزبان تنوع زیستی قابل توجهی از جمله یک سوم از همه گونه‌های مهره‌داران هستند که متأسفانه با تخریب سریع تالاب‌ها، این تنوع به طور چشمگیری در حال کاهش است. به عنوان نمونه در سطح جهانی، جمعیت مهره‌داران آب شیرین بالاترین نرخ انقراض را نسبت به جمعیت‌های زمینی یا دریایی دارند و یک سوم از گونه‌های آب شیرین در فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) در معرض خطر انقراض قرار دارند. [۳] از جمله اقداماتی که برای مقابله با کاهش تنوع زیستی توسط متخصصین پیشنهاد شده است، تخصیص اجرای جریان‌های زیست‌محیطی؛ بهبود کیفیت آب؛ حفاظت و احیای زیستگاه‌های حیاتی؛ مدیریت بهره‌برداری از منابع اکوسیستم آب شیرین؛ جلوگیری و کنترل تهاجم گونه‌های غیر بومی و حفاظت و بازیابی اتصال رودخانه می‌باشد. [۲] این موارد توصیه‌های صرفاً اندیشمندانه نیست و در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در جهت اجرای تعهدات الزام‌آور قابل تعریف است.

در پناهگاه حیات وحش هامون ۵۵ گونه گیاهی شناسایی شده است که از این میان، یک گونه از لحاظ حفاظتی بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی جزو گیاهان آسیب پذیر قرار می‌گیرد. از تعداد ۱۶۰ گونه پستاندار وحشی موجود در ایران، تعداد ۳۰ گونه و از ۵۱۵ گونه پرنده شناسایی شده در کشور، تعداد ۱۸۳ گونه، از تعداد ۲۰۹ خزندگان شناسایی شده، تعداد ۴۴ گونه و ۲۲ نوع ماهی در این منطقه

بین رودخانه‌ها و تالاب‌های مرتبط با آنها است. هرگونه تغییری در رژیم آبی رودخانه، مانند انحراف آب در بالادست، ساخت سد یا سدهای خاکی، جنگل‌زدایی در حوضه‌های بالادست و افزایش سرعت آب، بر تالاب‌های مرتبط رودخانه‌ای و ساحلی و همچنین گیاهان و جانوران آنها تأثیر می‌گذارد که کنوانسیون مجموعه‌ای از اقدامات را برای تنظیم چنین مواردی پیشنهاد کرده است. [۱۸] مفهوم «استفاده عاقلانه» در مرکز مأموریت کنوانسیون رامسر قرار دارد که توسط کنفرانس اعضا به عنوان «استفاده پایدار از تالاب‌ها به نفع بشریت به گونه‌ای که با حفظ ویژگی‌های طبیعی اکوسیستم سازگار باشد» تعریف شده [۲۹] و در ماده ۲(۶)، ماده ۳(۱) و ماده ۶(۲) و (۳) مورد تأکید قرار گرفته است.

ماده ۲ متن معاهده، فهرست تالاب‌های رامسر با اهمیت بین‌المللی را در خود دارد که محور کنوانسیون است. جهت تعیین یک تالاب در سایت رامسر، حداقل یکی از ۹ معیار تعیین شده باید در آن در جریان باشد.^۱ طبق ماده ۵ کنوانسیون رامسر، طرفین متعاقد باید در مورد اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون، به ویژه در مورد تالاب‌هایی که در قلمرو بیش از یک طرف متعاقد گسترش یافته‌اند یا جایی که یک سیستم آبی واحد توسط طرفین متعاقد به اشتراک گذاشته شده است، با یکدیگر مشورت کنند. طبق قطعنامه VII.19 مصوب ۱۹۹۹ کنفرانس اعضا، دولت‌ها باید سایت‌های فرامرزی را شناسایی کنند و به جای ایجاد یک وضعیت حقوقی متمایز برای هر سایت، آن را در چارچوب مدیریت مشارکتی بگنجانند. [۱]

در هفتمین اجلاس متعاهدین، اصول راهنمای ادغام حفاظت از تالاب‌ها با استفاده معقول از مدیریت حوضه رودخانه تصویب شد که جنبه‌های مختلف مدیریت جریان‌های آبی زیست‌محیطی را بررسی می‌کند مانند ادغام مسائل مدیریت تالاب‌ها در سیاست‌های موجود آب یا مدیریت حوضه رودخانه و بالعکس؛ تعیین بهینه جریان آبی برای حفظ تالاب‌های با ارزش و سایر عملکردهای اکولوژیکی مهم حوضه‌های رودخانه؛ استفاده از اصل احتیاط در مواردی که اطلاعات موجود برای تصمیم‌گیری قطعی در مورد جریان بهینه مورد نیاز ناکافی است و توسعه برنامه‌های تخصیص آب پایدار برای کاربران مختلف منابع حوضه رودخانه. در هشتمین کنفرانس، قطعنامه VIII با عنوان اصول راهنمای تخصیص و مدیریت آب برای حفظ عملکردهای اکولوژیکی تالاب‌ها مقرر شد که تخصیص آب برای اکوسیستم‌های تالاب باید بر اساس اصول راهنمای زیر باشد: پایداری؛ وضوح فرایند؛ برابری در مشارکت و تصمیم‌گیری؛ اعتبار علم؛ شفافیت در اجرا؛ انعطاف‌پذیری مدیریت؛ و پاسخگویی در قبال تصمیمات. قطعنامه همچنین اقدامات خاصی را که باید برای عملیاتی کردن این هفت اصل انجام شود، ارائه می‌کند. اصول راهنما، ناظر بر سیاست و قانون‌گذاری؛ ارزیابی جریان‌های زیست‌محیطی پایین‌دست سدها؛ تعیین تخصیص آب برای اکوسیستم تالاب خاص و اجرای تخصیص آب به تالاب‌ها می‌باشد. [۱۸]

^۱ این معیارها عبارتند از نمونه‌های شاخص کمیاب یا منحصربه‌فرد، تالاب‌های پشتیبانی کننده گونه‌های آسیب پذیر یا درخطر بحران انقراض و یا جوامع بوم‌شناختی در معرض تهدید؛ پشتیبانی از جمعیت‌هایی از گیاهان یا جانورانی که برای حفظ تنوع زیستی یک منطقه جغرافیایی زیستی خاص اهمیت دارند؛ پشتیبانی از جمعیت‌هایی از گیاهان و جانوران در طی شرایط نامساعد؛ پشتیبانی دائم از حداقل ۲۰ هزار پرنده آبی؛ پشتیبانی دائم از ۱٪ افراد جمعیت یک گونه یا زیرگونه از حیوانات وابسته به تالاب (غیر از پرندگان) [۴]

عضو کنوانسیون تنوع زیستی با اجرای تعهدات کنوانسیون رامسر، به طور همزمان تعهدات خود در حفظ تنوع زیستی تالابها و اکوسیستم تالاب را نیز ایفا می‌کند.

کنوانسیون تنوع زیستی در تصمیم VII/4، تعریف کنوانسیون رامسر از «تالاب» و دسته‌بندی‌های آن را نیز پذیرفته است. بند ۲۷ این تعریف، نحوه در نظر گرفتن تالابها تحت مأموریت کنوانسیون تنوع زیستی را مشخص می‌کند. [۳۳] این همکاری میان دو معاهده در طی سال‌ها تداوم یافته و رو به افزایش است. از محورهای مشترک دو کنوانسیون، اجرای رویکرد اکوسیستمی بر تالابها و ابتکار حوضه آبریز است که در ادامه، به بحث و بررسی گذاشته می‌شود. ارزش حقوقی این رویکرد بر حفظ جریان زیست محیطی تالاب، تلقی آن به عنوان رویه بعدی طرفهای معاهده تنوع زیستی است که دولت افغانستان بدان ملتزم است.

ب. ۱. تعریف رویکرد اکوسیستمی

از مفهوم رویکرد اکوسیستمی تعاریف متعدد علمی، سیاسی و حقوقی ارائه شده که هر کدام از جنبه‌ای به این مفهوم توجه کرده‌اند؛ مف و همکارانش، ۱۴ تعریف، شاپفر شش تعریف و بروکس و همکارانش ۱۱ تعریف از رویکرد اکوسیستمی فهرست کرده‌اند و هر کدام بر ارکان متفاوتی تاکید نموده‌اند. [۳۴] کنوانسیون تنوع زیستی در تصمیم V/6، تعریف ارائه شده توسط کنفرانس مالای را تأیید کرد و ۱۲ اصل تشکیل دهنده رویکرد و ۴ اصل راهنمای عملی آن را ارائه داد. مطابق این تصمیم، رویکرد اکوسیستمی، یک استراتژی برای مدیریت یکپارچه زمین، آب و منابع زنده است و حفاظت و استفاده پایدار عادلانه را ترویج می‌دهد. به بیان صحیح یکی از نویسندگان، این شیوه به طور جدی رویکرد بخش‌بندی شده و پاره پاره شده در قانون‌گذاری و اجرای محیط زیست در سطوح ملی و بین‌المللی را به چالش می‌کشد. [۳] به رغم جلوه‌گری رویکرد اکوسیستمی و توسعه آن ذیل کنوانسیون تنوع زیستی، می‌توان ارجاعات متعددی به آن را در توافق‌نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی که بسیار پیش‌تر تصویب شده‌اند، شناسایی کرد. [۳۴]

در کنوانسیون تنوع زیستی، رویکرد اکوسیستمی به عنوان شاخص محوری در ایفای تعهدات، یک استراتژی برای مدیریت یکپارچه زمین، آب و منابع زنده است که حفاظت و استفاده پایدار را به شیوه‌ای عادلانه ترویج می‌کند. کاربرد رویکرد اکوسیستمی به دستیابی به تعادل بین سه هدف کنوانسیون تنوع زیستی کمک خواهد کرد حفاظت؛ استفاده پایدار؛ و توزیع عادلانه و برابر منافع ناشی از استفاده از منابع ژنتیکی.

ب. ۲. ارکان رویکرد اکوسیستمی

اندیشمندان حقوقی ارکان متفاوتی برای رویکرد اکوسیستمی شناسایی کرده‌اند. گرامین با بررسی گسترده ادبیات، پنج رکن و هدف رویکرد اکوسیستمی را شناسایی می‌کند؛ حفظ جمعیت‌های پایدار تمام گونه‌های بومی در محل؛ حفظ نمایش تمام انواع اکوسیستم‌های بومی در مناطق حفاظت‌شده؛ حفظ تمامیت اکولوژیکی؛ مدیریت در مقیاس‌های زمانی طولانی و سازگار کردن استفاده و اقدام انسان‌ها در چارچوب این محدودیت‌ها. [۳۴] مونیهان چهار رکن را استنباط نموده است؛ ادغام؛ اولویت‌دهی به حفاظت و شرط کردن استفاده پایدار به محدودیت‌های

وجود دارد که نشان از تنوع کم نظیر انواع گونه‌ها در تالاب هامون است. بر اساس قوانین اتحادیه منع تجارت گونه‌های در حال انقراض CITES، پنج گونه به نام‌های پلیکان پا خاکستری، کفچه نوک، هوبره سارگپه و بحری در ضمیمه دوم و سه گونه عقاب دریایی دم سفید، عقاب شاهی و شاهین به لحاظ وضعیت بحرانی جمعیتی در ضمیمه یک دسته‌بندی شده‌اند. تالاب هامون علاوه بر بودن زیستگاه برای پرندگان بومی، محل گذران زمستان هزاران پرنده مهاجر از سرزمین‌های شمالی است. [۶]

با توجه به داده‌های فوق، حفظ تنوع زیستی تالاب هامون و خود این اکوسیستم بر اساس حقوق بین‌الملل ضرورت مضاعف دارد. در این نظام حقوقی، مهم‌ترین سند برای حفاظت از تنوع زیستی، کنوانسیون تنوع زیستی است که در ۱۹۹۳ تصویب رسید و در ۱۹۹۳ با ۱۹۳ عضو لازم‌الاجرا شد. ایران در ۳۱/۹۶/۱۱/۴ و افغانستان نیز در ۲۰۲/۱۲/۱۸ [۳۲] به معاهده ملحق شده است. در نتیجه تعهدات کنوانسیون هم از لحاظ معاهداتی هم عرفی (به جهت عضویت اکثریت قریب به اتفاق دول جامعه جهانی) بر دو کشور الزام آور است.

طبق ماده ۲ کنوانسیون تنوع زیستی، «تنوع زیستی» به معنای تنوع در میان موجودات زنده از همه منابع است از جمله اکوسیستم‌های خشکی، دریایی و سایر اکوسیستم‌های آبی و مجموعه‌های اکولوژیکی که آنها بخشی از آن هستند لذا هر گونه تنوع زیستی که در تالابها زندگی می‌کند یا با آنها مرتبط است و همچنین خود تالابها (به عنوان اکوسیستم) تحت پوشش و حفاظت کنوانسیون تنوع زیستی قرار دارند.

کنوانسیون تنوع زیستی، رژیم جامعی برای حفاظت از اکوسیستم‌ها و منابع بیولوژیکی ایجاد نموده و تعهد عرفی مبنی بر عدم ایجاد آسیب قابل توجه به سایر کشورها یا مناطق فراتر از حوزه‌های قضایی ملی را در ماده ۳ به رسمیت می‌شناسد. همچنین، طبق ماده ۵ اعضا باید برای حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی در مناطق فراتر از حوزه قضایی ملی و در سایر مسائل مورد علاقه مشترک همکاری کنند. برای مدیریت جریان‌های زیست‌محیطی، مقررات مربوط به حفاظت درون محلی کنوانسیون دارای اهمیت است. طبق ماده ۲ کنوانسیون، حفاظت درون محلی به معنای حفاظت از اکوسیستم‌ها و زیستگاه‌های طبیعی و حفظ و احیای جمعیت‌های پایدار گونه‌ها در محیط طبیعی خود می‌باشد. برای ایفای این تعهد، وجود جریان زیست محیطی ضرورت می‌یابد. به علاوه، مقررات مربوط به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و کاهش اثرات نامطلوب کنوانسیون نیز به اثبات ضرورت وجود جریان کمک می‌کند. در نهایت، دستورالعمل مصوب کنفرانس متعاهدین، در حوزه تنوع زیستی آب‌های داخلی نیز به بحث ما یاری می‌رساند. [۱۸]

در کنار تعهدات کنوانسیون تنوع زیستی، نکته قابل توجه، همراهی و همکاری این کنوانسیون و معاهده تالاب‌های رامسر در تحقق اهداف مشترک جهت حفظ تنوع زیستی در تالابها و خود تالابها به عنوان یک اکوسیستم است. شراکت رامسر با کنوانسیون تنوع زیستی با یادداشت تفاهم در ژانویه ۱۹۹۶ آغاز شد و بر اساس تصمیم (CBD III/21)، معاهده رامسر توسط طرف‌های متعاهد تنوع زیستی به عنوان «شریک اصلی اجرایی» در کلیه تالاب‌های داخلی، ساحلی و ساخته دست بشر شناخته شد. در نتیجه، دول

آن، برنامه ششم برای ۲۰۳۰-۲۰۲۴ است. این برنامه، به دنبال همسو کردن تلاش‌ها برای دستیابی به اهداف هر دو کنوانسیون در تقویت همکاری و تقویت تاثیر اقدامات آنها در رسیدگی به چالش‌های حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی و استفاده پایدار/عاقلا نه از تالاب‌ها است.

در بخش مبنای منطقی این برنامه، ابتدا تعریف رامسر از تالاب، محور قرار گرفته و سپس نقش تالاب‌ها در حفظ چرخه هیدرولوژیکی سیاره زمین و ارائه مزایای متعدد مشترک مانند حفظ اقلیم، تنوع زیستی و رفاه انسانی، حل چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی و دستیابی به برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار خاطر نشان شده است. در ادامه، وضعیت نابه‌سامان تالاب‌ها و کاهش سریع گونه‌های درون آن تصدیق شده و رویکرد اکوسیستمی در حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی را همسو با مفهوم استفاده خردمندانه تعریف شده تحت کنوانسیون رامسر قطعنامه IX.1 پیوست A اعلام نموده است. برنامه ششم حاوی راهنمایی‌های داوطلبانه برای اعضا و نهادهای دو کنوانسیون با موضوع تالاب‌ها و رویکرد اکوسیستمی ذیل چهار محور اجرا و نظارت؛ ظرفیت سازی و توسعه؛ یکپارچه سازی و افزایش آگاهی و اطلاع‌رسانی است. [۳۷]

سازوکار دوم در اجرای رویکرد اکوسیستم میان دو کنوانسیون، ابتکار حوضه آبریز است. نهادی که در پی تصویب اصول راهنمای ادغام حفاظت از تالاب‌ها و استفاده خردمندانه در مدیریت حوضه‌های رودخانه‌ای در هفتمین نشست دول متعاهد کنوانسیون رامسر در سال ۲۰۰۰ ایجاد شد. با توجه به نقش محوری تالاب‌ها در مدیریت منابع آب و مصوبات کنوانسیون تنوع زیستی، این نهاد بین دفتر کنوانسیون رامسر و دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی برای دستیابی به یکپارچگی در مدیریت حوضه ایجاد شده است. این ابتکار در پی آن است تا به اعضای کنوانسیون‌ها کمک کنند به گونه‌ای در توسعه و اجرای مدیریت حوضه رودخانه عمل کنند که رویکرد اکوسیستمی را اتخاذ نموده و شیوه‌های مطلوب در تأمین حفاظت از تالاب‌ها و تنوع زیستی را در مدیریت حوضه رودخانه بگنجانند. هدف اصلی این ابتکار، ایجاد یک شبکه جهانی برای اشتراک‌گذاری اطلاعات است تا در آن اصول مدیریت یکپارچه تنوع زیستی، تالاب‌ها و حوضه‌های آبریز رودخانه‌ای ارائه شود و دولت‌ها در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی برای دستیابی به این مدیریت یکپارچه در سه حوزه مذکور مشارکت نمایند. [۳۸]

بدین ترتیب بر اساس تعهدات معاهداتی و عرفی ناظر بر حفظ تنوع زیستی درون تالاب‌ها و اکوسیستم آنها و رویه بعدی اعضای معاهده که در برنامه‌های مشترک با رامسر جهت اجرای رویکرد اکوسیستمی مقرر شده است، دولت افغانستان مکلف به تأمین حقایق هامون می‌باشد.

ج) کنوانسیون راجع به حقوق استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷

کنوانسیون راجع به حقوق استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی در ۲۱ مه ۱۹۹۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و در ۱۷ اگوست ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شد. حتی قبل از لازم‌الاجرا شدن نیز حقوق‌دانان تأکید داشتند که این کنوانسیون معتبرترین بیان حقوق بین‌الملل در زمینه آب‌های شیرین است. [۱] فیلیپ سندز نیز تصدیق کرده است که عناصر این کنوانسیون به طور گسترده منعکس کننده عرف

عملکرد اکوسیستم؛ برابری و مشارکت عمومی و توزیع عادلانه و برابر منافع. [۳] تروپورست، سه عنصر اصلی رویکرد اکوسیستمی را شناسایی می‌کند که به نظر او توافق قابل توجهی در مورد آن‌ها وجود دارد: مدیریت جامع فعالیت‌های انسانی؛ الزام به پایه‌گذاری مدیریت بر بهترین دانش موجود و برآوردن نیازهای انسانی به روش‌هایی که به تمامیت و سلامت اکوسیستم‌ها آسیب نمی‌رساند. [۳۴]

در نهایت، مصوبه کنفرانس اعضا کنوانسیون تنوع زیستی دوازده اصل زیر را برای رویکرد برشمرده است:

اصل ۱، اهداف مدیریت زمین، آب و منابع زنده موضوعی است که توسط جامعه انتخاب می‌شود. اصل ۲، مدیریت باید تا پایین‌ترین سطح ممکن، توزیع شود و غیرمتمرکز باشد. اصل ۳، مدیران اکوسیستم باید اثرات (واقعی یا بالقوه) فعالیت‌های خود بر اکوسیستم‌های مجاور و دیگر اکوسیستم‌ها را در نظر بگیرند. اصل ۴، با تصدیق امکان دریافت سود، نیاز به درک و مدیریت اکوسیستم در سیاق اقتصادی وجود دارد. هر برنامه مدیریت اکوسیستم باید: (الف) آن دسته از تحریف‌های بازار که بر تنوع زیستی تأثیر منفی می‌گذارند را کاهش دهد؛ (ب) انگیزه‌ها را برای ترویج حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی همسو کند؛ (ج) هزینه‌ها و فواید را در اکوسیستم مدنظر تا حد امکان داخلی کند. اصل ۵، حفاظت از ساختار و عملکرد اکوسیستم، به منظور حفظ خدمات اکوسیستمی، باید یک هدف اولویت‌دار رویکرد اکوسیستمی باشد. اصل ۶، اکوسیستم‌ها باید در محدوده عملکرد خود مدیریت شوند. اصل ۷، رویکرد اکوسیستمی باید در مقیاس‌های مکانی و زمانی مناسب انجام شود. اصل ۸، با توجه به مقیاس‌های زمانی متغیر و اثراتی که با تاخیر ایجاد می‌شود (که مشخصه فرآیندهای اکوسیستمی است)، اهداف مدیریت اکوسیستم باید برای بلندمدت تعیین شوند. اصل ۹، مدیریت باید در نظر داشته باشد که تغییر اجتناب‌ناپذیر است. اصل ۱۰، رویکرد اکوسیستمی باید به دنبال تعادل مناسب بین حفاظت و استفاده از تنوع زیستی باشد. اصل ۱۱، رویکرد اکوسیستمی باید همه اشکال اطلاعات مرتبط، از جمله دانش علمی و بومی و محلی، نوآوری‌ها و رویه‌ها را در نظر بگیرد. اصل ۱۲، رویکرد اکوسیستمی باید همه بخش‌های مرتبط جامعه و رشته‌های علمی را در بر گیرد.

به رغم تکرر تعریف از رویکرد اکوسیستمی و اختلاف نظر در ارکان آن، شاید نتوان آن را موجب تغییر پارادایم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شناخت [۳۴] لکن مهم آن است که کلیت آن منتهی به حفظ اکوسیستم می‌شود و تلاش‌های بین‌المللی در هدایت دولت‌ها در عمل به مفاد آن رو به افزایش است.

ب. ۲. راهنمایی عملی برای کاربرد رویکرد اکوسیستمی
جهت اعمال دوازده اصل فوق، پنج نکته به عنوان راهنمایی عملی پیشنهاد می‌شود؛ تمرکز بر روابط عملکردی و فرآیندهای درون اکوسیستم‌ها؛ تقویت تقسیم منافع؛ استفاده از شیوه‌های مدیریت تطبیقی؛ اجرای اقدامات مدیریتی در مقیاسی مناسب برای مسئله مورد بررسی و اطمینان از همکاری بین بخشی. [۳۶] از نظر عملی، رویکرد اکوسیستمی در دو سازوکار میان دو کنوانسیون در حال اعمال است. نخست برنامه کاری مشترک است که از سال ۱۹۹۸ تا کنون شش برنامه طراحی شده و آخرین

استفاده آن‌ها باعث چنین آسیبی می‌شود، در غیاب توافق در مورد چنین استفاده‌ای، با رعایت مقررات مواد ۵ و ۶، در مشورت با دولت متضرر، همه اقدامات مناسب را برای حذف یا کاهش چنین آسیبی و در صورت لزوم، بحث در مورد مسئله غرامت اتخاذ نمایند. این ماده انعکاس قاعده عرفی منع ضرر فرامرزی است.

بدین ترتیب بر اساس مواد ۶ و ۷ عدم تأمین جریان زیست‌محیطی در تضاد با استفاده معقول از آبراه بین‌المللی است و وقتی پروژه‌های سدسازی و نوع بهره‌برداری افغانستان از هیرمند باعث آسیب قابل توجه به تالاب شده است، طبق مفاد کنوانسیون، دولت بالادست باید پروژه‌ها را متوقف کرده و با همکاری سایر کشورهای آبراهی در احیاء و حفاظت از تالاب هامون همکاری کند. به علاوه، طبق ماده ۲۰ کنوانسیون، دولت‌های حوضه آبریز، به صورت انفرادی و در صورت لزوم به صورت مشترک، از اکوسیستم‌های آبراه‌های بین‌المللی حفاظت و نگهداری خواهند کرد. از این حیث نیز حفاظت از تالاب، وظیفه مشترک دو کشور است. همچنین، در کنوانسیون اصول دیگری چون همکاری و لزوم مشورت و اطلاع رسانی نیز وجود دارد (مواد ۸ و ۱۱ تا ۱۹) که وصف عرفی دارند و افغانستان باید قبل از اجرای پروژه‌های توسعه‌ای خود بر رودهای منتهی به تالاب به آنها عمل کند.

در پرتو مطالب ذکرشده، تأمین جریان‌های زیست‌محیطی بر اساس کنوانسیون آبراه‌ها، نتیجه طبیعی وظیفه حفاظت از محیط آبراهه است و تأمین جریان زیست‌محیطی، راه اجرای این تعهد و همچنین تعهد به استفاده معقول و منع آسیب به دیگر دول ساحلی است که دو مورد اخیر تعهدات عرفی حقوق بین الملل هستند. [۱] این استدلال توسط کنوانسیون هلسینکی و سایر معاهدات رودخانه‌ای و همچنین توسط سایر اسنادی که به طور خاص به آبراه‌ها اشاره نمی‌کنند اما با حفاظت از اکوسیستم‌ها به طور کلی مرتبط هستند، مانند کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون رامسر، پشتیبانی می‌شود. [۱۸]

د) کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی
معاهده مهم دیگر در روابط بین دو کشور، کنوانسیون بن یا حفاظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی است که تا ۱ مارس ۲۰۲۲، ۱۳۳ عضو دارد و ایران در سال ۲۰۰۸ و افغانستان در سال ۲۰۱۵ به آن پیوسته‌اند. از جمله ابزارهای حفاظتی پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی، توافق‌نامه‌ها بین «کشورهای دامنه» است. این توافق‌نامه‌ها که «باید کل محدوده گونه‌های مهاجر مورد نظر را پوشش دهد و باید برای الحاق همه کشورهای دامنه آن گونه، صرف‌نظر از اینکه آیا آن‌ها طرف این کنوانسیون هستند یا خیر، باز باشد»، وسیله‌ای برای جلوگیری از در معرض خطر قرار گرفتن گونه‌های مهاجر هستند. در مواردی که تالاب‌ها، رودخانه‌ها یا مناطق ساحلی، در محدوده میزبان گونه‌های مهاجر قرار دارند، کشورها باید اقدامات خاصی را برای حفاظت از آن‌ها به عنوان بخشی از اقدامات حفاظتی لازم برای حفاظت از گونه‌های مهاجر ایجاد کنند؛ بنابراین، این کنوانسیون می‌تواند به عنوان ابزاری دیگر برای ضرورت تعیین جریان زیست‌محیطی جهت حفظ تالاب‌هایی چون تالاب هامون مورد استناد قرار گیرد که میزبان گونه‌های مهاجرند. [۱۸] بر اساس گزارش سازمان محیط‌زیست، در زمان وجود پوشش گیاهی، تالاب هامون

بین‌المللی [۱۵] لذا عدم عضویت ایران و افغانستان مانع از اجرای تعهدات این کنوانسیون بر بهره‌برداری از رودهای بین‌المللی منتهی به تالاب نیست. طبق ماده ۱، کنوانسیون حاضر در مورد استفاده از آبراه‌های بین‌المللی و آب‌های آن‌ها برای اهدافی غیر از کشتیرانی و اقدامات حفاظت، نگهداری و مدیریت مرتبط با استفاده از آن آبراه‌ها و آب‌های آن‌ها اعمال می‌شود و مطابق ماده ۲، هر گونه سیستمی از آب‌های سطحی و زیرزمینی که به دلیل ارتباط فیزیکی خود یک کل واحد را تشکیل می‌دهند و معمولاً به یک خروجی مشترک جریان می‌یابند را در بر می‌گیرد. از آنجا که مفهوم آبراهه به کل حوضه به عنوان یک سیستم واحد اشاره دارد و اقدام هر دولت بر دیگر دولت‌ها اثر می‌گذارد، تمام کشورهای ساحلی باید برای جلوگیری از آسیب به یکدیگر و استفاده معقول از آب، همکاری و اقدام کنند. بر همین اساس، دولت بالادست رودخانه‌ای که به تالابی در کشور پایین‌دست می‌ریزد مانند افغانستان، ملتزم به رعایت اصول کنوانسیون است.

اگرچه مقرر صریحی در مورد جریان‌های زیست‌محیطی در کنوانسیون آبراه‌ها وجود ندارد لکن حاوی چندین اصل روشن برای حفاظت محیط‌زیست آبراه‌های فرامرزی است که به مفهوم جریان‌های زیست‌محیطی مرتبط است مانند تعهد به استفاده عادلانه و معقول و اجتناب از آسیب رساندن به سایر کشورهای ساحلی. [۱۸] طبق بند ۲ ماده ۵، دولت‌های حوضه آبریز باید به طور عادلانه و معقول در استفاده، توسعه و حفاظت از یک آبراه بین‌المللی مشارکت کنند. چنین مشارکتی شامل حق استفاده از آبراه و وظیفه همکاری در حفاظت و توسعه آن می‌باشد.

حال این سؤال کلیدی مطرح می‌شود که چگونه عدم تأمین جریان کافی آب برای پایین دست ممکن است با مفاد استفاده عادلانه و معقول ناسازگار باشد و آن را نقض کند؟ برای پاسخ باید به چند نکته توجه داشت؛ نخست؛ رژیم جریان‌های زیست‌محیطی شامل مسائل مربوط به کمیت و کیفیت آب و نحوه و زمان رهاسازی آب می‌شود و تعیین آن مانند معیار عادلانه، امری ثابت و انتزاعی نیست و باید توسط دول ساحلی از طریق مقایسه مداوم شرایط و مصارف کشورهای مربوطه به دست آید. [۱۸]

دوم، کنوانسیون در ماده ۶ عوامل مدنظر جهت استفاده عادلانه و معقول از آبراه بین‌المللی را به صورت تمثیلی ذکر کرده است (الف) عوامل جغرافیایی، هیدروگرافی، هیدرولوژیکی، اقلیمی، اکولوژیکی و سایر عوامل طبیعی؛ (ب) نیازهای اجتماعی و اقتصادی دولت‌های حوضه آبریز ذی‌نفع؛ (ج) جمعیت وابسته به آبراه در هر یک از دولت‌های حوضه آبریز؛ (د) اثرات استفاده از آبراه در یک دولت حوضه آبریز بر دولت‌های دیگر حوضه آبریز؛ (ه) استفاده‌های موجود و بالقوه از آبراه؛ (و) حفاظت، نگهداری، توسعه و اقتصاد استفاده از منابع آب آبراه و هزینه‌های اقدامات انجام‌شده در این راستا؛ (ز) در دسترس بودن جایگزین‌های هم تراز برای یک استفاده خاص برنامه‌ریزی شده یا موجود.

سوم، توجه به اصل مهم عرفی دیگر است که در ماده ۷ کنوانسیون آمده به این ترتیب که دولت‌های حوضه آبریز، در استفاده از یک آبراه بین‌المللی در قلمروهای خود، باید همه اقدامات مناسب را برای جلوگیری از ایجاد آسیب قابل توجه به سایر دولت‌های حوضه آبریز اتخاذ کنند. همچنین اگر آسیب قابل توجهی به دولت حوضه آبریز دیگری وارد شود، دولت‌هایی که

صورت گیرد. دلالت غیر مستقیم کنوانسیون تجدیدنظرشده آفریقا در مورد حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی آن است که طرفین باید اقداماتی را برای حفظ فرایندهای اکولوژیکی و حفاظت از سلامت انسان در برابر آلاینده‌ها و بیماری‌ها؛ جلوگیری از خسارات ناشی از آلودگی به سلامت انسان و منابع طبیعی سایر کشورها؛ و جلوگیری از برداشت بیش از حد به نفع جوامع و کشورهای پایین‌دست اتخاذ کنند. طرفین باید با هدف تضمین تأمین کافی و مداوم آب برای جمعیت‌های خود، اقداماتی را در رابطه با مدیریت جامع منابع آب و حفاظت از مناطق جنگلی و سایر مناطق آبخیز اتخاذ کنند. کنوانسیون هلسینکی در چارچوب کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا تصویب شد و با توافق اعضا در سال ۲۰۱۳، برای پیوستن دولت‌ها از سایر قارها و مناطق جغرافیایی باز شد. این معاهده، حاوی مقرره صریحی در مورد جریان‌های زیست‌محیطی نیست. با این وجود، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که آب‌های فرامرزی، با هدف حفظ آن‌ها و حفاظت از محیط‌زیست به شیوه‌ای معقول و عادلانه استفاده می‌شوند. همچنین اعضا باید اقداماتی را در مورد ارزیابی اثرات زیست‌محیطی اتخاذ کنند و مدیریت پایدار منابع آب را بر اساس رویکرد اکوسیستمی ترویج دهند. پروتکل آب و سلامت کنوانسیون هلسینکی مقرر می‌کند که طرف‌های متعاقد ملزم به حفاظت مؤثر از منابع آبی مورد استفاده به عنوان منابع آب آشامیدنی و اکوسیستم‌های آبی مرتبط با آن‌ها هستند. از جمله ابزارهای اجرای این مقررات، ایجاد و حفظ یک رژیم توافق‌شده برای جریان‌های زیست‌محیطی است. کنوانسیون ۱۹۹۴ حفاظت و استفاده پایدار از حوضه رود دانوب مقرر می‌دارد که طرف‌ها باید اقداماتی را برای استفاده پایدار و عادلانه از منابع آب و همچنین حفاظت از منابع اکولوژیکی اتخاذ کنند، به ویژه اینکه آن‌ها باید اهمیت عناصر مختلف زیستگاه را برای اکولوژی رودخانه‌ای ارزیابی کنند و اقداماتی را برای بهبود شرایط اکولوژیکی آبرزی و ساحلی پیشنهاد کنند. در توافق‌نامه ۱۹۹۵ حوضه رودخانه مکنون، متعاهدین توافق کرده‌اند که از محیط‌زیست حوضه آبریز محافظت کنند و از آب‌ها به شیوه‌ای معقول و عادلانه استفاده کنند. به علاوه، طبق ماده ۷، هر تلاشی برای جلوگیری، به حداقل رساندن و کاهش اثرات مضر که ممکن است بر محیط‌زیست، به ویژه کمیت و کیفیت آب، شرایط آبرزی و تعادل اکولوژیکی سیستم رودخانه‌ای رخ دهد را انجام دهند. همچنین دولت‌ها بر اساس ماده ۶ در حفظ جریان‌هایی که کمتر از حداقل جریان طبیعی قابل قبول ماهانه در هر ماه از فصل خشک نیستند، همکاری نمایند. ماده‌ای از پروتکل سیستم آبراه‌های مشترک در جامعه اقتصادی جنوب آفریقا نیز به طور غیر مستقیم به موضوع جریان‌های زیست‌محیطی اشاره می‌کند بدین صورت که «دولت‌ها باید سیستم آبراه‌های مشترک و تأسیسات، تسهیلات و سایر کارهای مرتبط را حفظ و محافظت کنند تا از آلودگی یا تخریب محیط‌زیست جلوگیری شود.» [۱۸]

۲.۲.۲. آرای محاکم قضایی و داوری بین‌المللی

در این قسمت، برخی نکات رویه قضایی بین‌المللی که به طور مستقیم (اشاره به جریان زیست‌محیطی) یا غیر مستقیم (نحوه بهره برداری از آبراه‌های مشترک) با منابع آبی تالاب ارتباط می‌یابد را ذکر می‌نماییم.

محل گذراندن زمستان برای پرنده‌گان مهاجر از مناطق سردسیر هستند به طوری که ۱۹۰ گونه از ۳۰ خانواده پرنده مهاجر از مناطق سیبری در دهه ۶۰ مشاهده شده است. [۶] لذا تأمین جریان زیست‌محیطی تالاب برای ایفای تعهدات افغانستان ذیل این معاهده نیز ضرورت دارد.

۵) کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی

کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی ۱۹۹۴ در حال حاضر ۱۹۷ عضو دارد. دولت افغانستان در تاریخ ۹۵/۱/۱۱ و دولت ایران در تاریخ ۹۷/۴/۲۹ به این معاهده پیوسته‌اند. این کنوانسیون، در کشورهایی که دچار خشکسالی جدی و یا بیابان‌زایی هستند، به طور بسیار غیرمستقیم به جریان‌های زیست‌محیطی اشاره می‌کند. به طور کلی، طرف‌های متعاقد باید همکاری در زمینه‌های حفاظت از محیط زیست و حفاظت از زمین و آب را که مربوط به بیابان‌زایی است، ارتقا دهند. از جمله اولویت‌های برنامه فرعی منطقه‌ای برای آسیا و آفریقا تهیه برنامه‌های مشترک برای مدیریت پایدار منابع طبیعی فرامرزی است. [۱۸] حفظ تالاب و جریان زیست‌محیطی از حیث اجرای تعهد معاهداتی افغانستان ذیل این توافق در جهت مقابله با بیابان‌زایی نیز مورد تأکید است.

و سایر معاهدات

علاوه بر معاهداتی که دو طرف عضو آن هستند، معاهدات دیگری وجود دارد که مستقیم یا غیرمستقیم به جریان زیست‌محیطی پرداخته‌اند و جایگاه حقوقی این گونه جریان آبی را در حقوق بین‌الملل ارتقا بخشیده‌اند که در ادامه به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

بر اساس معاهده توسعه یکپارچه رودخانه ماهاکالی میان هند و نپال، هند باید حداقل جریان ۱۰ متر مکعب بر ثانیه را در پایین دست سد ساردا در رودخانه ماهاکالی حفظ کند تا اکوسیستم رودخانه را حفظ و نگهداری کند. [۳۰] طبق کنوانسیون همکاری برای حفاظت و استفاده پایدار از آب‌های حوضه‌های آبریز مشترک اسپانیا و پرتغال، آلبوفیرا، طرفین ملکفند برای هر حوضه آبریز رودخانه، رژیم جریان آبی لازم برای تضمین وضعیت آب‌ها، مصارف فعلی و آینده آن‌ها را تعیین کنند. معیارهای چگونگی تعیین رژیم جریان آب بر اساس ویژگی‌های طبیعی هر حوضه رودخانه، تعهدات ناشی از توافق‌نامه‌های قبلی بین طرف‌های متعاقد، نیازهای آبی برای تضمین وضعیت کیفی آب مطابق با ویژگی‌های اکولوژیکی مربوطه آن و مصارف مختلف در پروتکل الحاقی آمده است. [۱۸] در قاره آفریقا، نه کشور حوضه نیل، بر یک استراتژی مشترک ارزیابی جریان‌های آبی زیست‌محیطی توافق کرده‌اند. [۲] در توافق‌نامه چارچوب حوضه رودخانه ساوا ۲۰۰۲ بین بوسنی هرزگوین، کرواسی، اسلونی و یوگسلاوی طرفین توافق کرده‌اند که در مدیریت پایدار حوضه، به ویژه در مسائل مقرر همکاری کنند و پروتکل‌های الحاقی برای قاعده‌مند نمودن آنها تنظیم نمایند از جمله تأمین مقدار کافی و با کیفیت مناسب برای حفاظت و بهبود اکوسیستم‌های آبی (از جمله گیاهان و جانوران و اکوسیستم‌های برکه‌های طبیعی و تالاب‌ها) توافق‌نامه آسه‌آن در مورد حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی حاوی مقرره‌ای خاص مربوط به جریان‌های آب است. این تعهد در ماده ۸ از دولت‌ها می‌خواهد که تنظیم و کنترل استفاده از آب با رویکرد دستیابی به تأمین مداوم و کافی آب برای حفظ سیستم‌های حامی زندگی طبیعی و جانوران و گیاهان آبرزی

بازگرداندن همان مقدار آب به رودخانه در نقطه‌ای قبل از استفاده کشاورزان در اسپانیا منحرف می‌کرد. محکمه داوری تشخیص داد که کارهای پیشنهادی فرانسه، نقض حقوق اسپانیا تحت معاهدات قبلی نیست. این مرجع رسیدگی خاطرنشان نمود که ادعای اسپانیا مبنی بر نقض حقوق می‌توانست قابل قبول باشد اگر اثبات می‌کرد که کارهای پیشنهادی فرانسه، آب‌های رود کارول را آلوده می‌کند یا ترکیب شیمیایی، دما یا سایر ویژگی‌های آب‌ها را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که به منافع او آسیب می‌رساند. [۱۵] به عبارت دیگر، محکمه داوری، حداقل جریان آب را در قالب حجم تضمین شده برای جمعیت پایین‌دست در نظر گرفته بود [۳۰] لکن وقایع موضوعی اثبات نکرد که این حجم محقق نمی‌شود. همچنین محکمه بر لزوم اطلاع رسانی و مشورت قبل از اجرای پروژه‌هایی که بر سایر دول آبراهی اثر دارند، تأکید کرد لکن تعهدی عرفی یا اصل کلی حقوق مبنی بر لزوم کسب موافقت قبلی سایر دول را احراز ننمود. [۱۵]

رأی کیشنگانگا/ در پی اختلاف میان هند و پاکستان بر رود ایندوس، رأی اولیه محکمه داوری در فوریه ۲۰۱۳ و رأی نهایی در دسامبر ۲۰۱۳ انتشار یافت و نخستین تصمیم در رویه قضایی بین‌المللی است که به صورت جدی به مفهوم حداقل جریان زیست‌محیطی پرداخته است.

در این پرونده، انحراف بخشی از جریان پایین‌دست رودخانه نیلم توسط نیروگاه هیدروالکتریک هند بر مصارف کشاورزی و هیدروالکتریک پاکستان تأثیر می‌گذاشت؛ لذا پاکستان برای جلوگیری از اقدام هند و حفظ جریان‌های پایین‌دست، به مفهوم حداقل جریان زیست‌محیطی استناد کرد. هند نیز اطمینان داد که در تمام زمان‌ها جریان زیست‌محیطی حداقلی، در پایین‌دست نیروگاه برنامه‌ریزی شده وجود خواهد داشت. محکمه، به بررسی موضوع حداقل جریان زیست‌محیطی ذیل معاهده میان طرفین (۱۹۶۰) پرداخت و به ضرورت حفظ حداقل جریان آبی در پایین‌دست پروژه جهت حفاظت از محیط‌زیست اشاره کرد. [۳۰] در ادامه محکمه، به بررسی اعتبار جریان زیست‌محیطی در پرتو اصول و قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پرداخت. در گام نخست، عبارت مشهور رأی تریل اسملتر را یادآور شد که هیچ کشوری حق ندارد از قلمرو خود به گونه‌ای استفاده کند یا اجازه استفاده دهد که باعث آسیب به قلمرو دیگری یا اموال یا اشخاص در آن شود، زمانی که این مورد دارای عواقب جدی باشد و آسیب با شواهد روشن و قانع‌کننده ثابت شود.

دیوان داوری در ادامه افزود دولت‌ها بر اساس عرف بین‌المللی ملزمند حفاظت از محیط‌زیست را هنگام برنامه‌ریزی و توسعه پروژه‌هایی که ممکن است به دولت‌های مجاور آسیب برساند، در نظر گیرند؛ لذا ضرورت دارد مدیریت منابع طبیعی به شیوه‌ای پایدار انجام شود و میان توسعه اقتصادی با حفاظت از محیط‌زیست آشتی برقرار باشد. دیوان داوری به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کارخانه‌های خمیر کاغذ ارجاع داد که این الزام تحت قوانین بین‌المللی عمومی برای انجام ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی در مواردی که فعالیت صنعتی پیشنهادی ممکن است تأثیر منفی قابل توجهی در یک زمینه فرامرزی، به ویژه بر یک منبع مشترک، داشته باشد، وجود دارد. اگر طرفی که قصد انجام کارهایی را دارد که ممکن است بر رژیم رودخانه یا کیفیت آب‌های آن تأثیر بگذارد، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی

کمیسیون آدر/ در سال ۱۹۲۹، [۱۱] دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اعلام کرد در خصوص یک رودخانه منفرد که از مرز یک یا چند کشور عبور می‌کند یا مرز دو یا چند کشور را از هم جدا می‌سازد برای امکان اجرای شرایط عدالت و ملحوظ نمودن بهره‌برداری از آن، راه‌حل مسئله تنها حق عبور به نفع کشورهای بالادست نیست بلکه در اشتراک منافع کشورهای آبراهی است. این اشتراک منفعت در یک رودخانه قابل کشتیرانی پایه و اساس یک حق قانونی مشترک را تشکیل می‌دهد که اساسی‌ترین ویژگی آن تساوی کامل کلیه کشورهای آبراهی در استفاده از کل جریان رودخانه و کنار نهادن هرگونه امتیاز و برتری برای هر یک از دول ساحلی است. [۳۹]

حدود هفتاد سال بعد، دیوان بین‌المللی دادگستری این پاراگراف را در پرونده گابچیکو-ناگیماروس [۴۰] بازبینی کرد و کاربرد آن را به استفاده‌های غیر کشتیرانی گسترش داد که با تصویب کنوانسیون ۱۹۹۷ در مورد استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی در مجمع عمومی مورد تأیید دولت‌ها قرار گرفت. دیوان معتقد است که چکسلواکی با تصاحب یک‌جانبه کنترل بر یک منبع مشترک و در نتیجه محروم کردن مجارستان از حق خود در سهم عادلانه و معقول از منابع طبیعی دانوب - با آثار مستمر انحراف این آب‌ها بر اکولوژی منطقه ساحلی سیگتکوز - نتوانست تناسبی که حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند را رعایت نماید. اصل استفاده معقول، حاوی رویکردی است که حمایت گسترده‌ای از سوی دولت‌ها دریافت کرده و نشان می‌دهد که منابع آبی مانند رودخانه‌ها یا دریاچه‌ها یا آب‌های زیرزمینی که موضوع حق قانونی مشترک هستند، نمی‌توانند توسط دولت‌ها به گونه‌ای استفاده شوند که مانع استفاده کامل سایر کشورهای ساحلی از حقوق عادلانه و معقول خود در رابطه با آن منبع مشترک گردند. اگرچه حقوق بین‌الملل همه انواع آلودگی را ممنوع نمی‌کند، اما واضح است که کیفیت آب‌های شیرین نباید به گونه‌ای تغییر کند که منجر به آسیب قابل توجه یا اساسی به نقطه‌ای شود که دیگر نتوان از آن منبع استفاده کرد یا پتانسیل استفاده از آن به طور قابل توجهی کاهش یابد. [۱۵] به علاوه، دیوان در این در پرونده مفهوم نیازهای انسانی را با مفهوم حداقل جریان مرتبط نمود. مجارستان، در حمایت از ادعاهای خود در مورد وضعیت اضطرار زیست‌محیطی، استدلال کرده بود که کاهش جریان در کانال دانوب (به دلیل ایجاد تأسیسات مورد نظر) برای اکوسیستم آبی مضر خواهد بود. دیوان اظهار داشت: «با توجه به کاهش بستر رودخانه در پایین‌دست سد ناگیماروس، خطر ممکن است جدی‌تر و فوری‌تر به نظر برسد، زیرا تأمین آب آشامیدنی شهر بوداپست تحت تأثیر قرار می‌گیرد.» هنگامی که حداقل جریان به تأمین نیازهای انسانی مرتبط باشد، می‌توان آن را ابزاری برای تضمین تأمین این نیازها در نظر گرفت و هنگامی که مفهوم حداقل جریان به ملاحظات زیست‌محیطی ارتباط یابد، می‌توان آن را ابزاری برای تضمین حفاظت زیست‌محیطی آبراه‌های فرامرزی در نظر گرفت. [۳۰]

داوری لاک لانوو/ رویکرد «اجتماع منافع» دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در تصمیم ۱۹۲۹ در پرونده کمیسیون آدر، در رأی داوری ۱۹۵۷ در پرونده لاک لانوو بین فرانسه و اسپانیا [۴۱] منعکس شد. این قضیه مربوط به پیشنهاد دولت فرانسه برای مجوز ساخت سد برای هدایت آب به یک نیروگاه برق آبی بود که حدود ۲۵ درصد از جریان رود کارول را قبل از

در راستای عمل به تکالیف معاهداتی خود ذیل کنوانسیون تنوع زیستی ملزم به اتخاذ اقدامات مقتضی در حفظ گونه‌ها و اکوسیستم‌ها است. با توجه به غنای قابل توجه گونه‌های آبرزی و خشک زی جانوری و گیاهی در تالاب هامون و ارزشمندی این گستره به عنوان یک اکوسیستم، دولت افغانستان مکلف به اتخاذ اقدام در حفاظت از آن است. بدیهی‌ترین نوع اقدام، بهره‌برداری منصفانه از آبراه‌های بین‌المللی منتهی به تالاب و تخصیص حقا به زیست‌محیطی به آن است. به علاوه بر اساس مصوبات کنفرانس اعضا کنوانسیون تنوع زیستی، که تحت قواعد تفسیر به عنوان رویه بعدی دول متعاقد لحاظ می‌شود، افغانستان مکلف به اعمال رویکرد اکوسیستمی نسبت به تالاب است. از سوی دیگر تالاب هامون در کنار ظرفیت زیستگاهی گونه‌های مختلف، میزبان پرندگان مهاجر است که با توجه به عضویت افغانستان در کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی، ملزم به حفاظت از این گستره می‌باشد که باز هم از مسیر تخصیص آب مناسب به آن می‌گذرد. افغانستان بر اساس تعهدات کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی و اثرات اقداماتش در بالادست نیز مکلف به تأمین جریان آب برای پایین دست و تالاب هامون است.

تعهدات مندرج در کنوانسیون رامسر و معاهده راجع به حقوق استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی نیز به رغم عدم عضویت افغانستان و ویژگی عرفی یافته و اصول عرفی حفاظت از تالابهای بین‌المللی، استفاده معقول و منصفانه از آبراه‌های بین‌المللی و منع آسیب به محیط‌زیست دولت‌های دیگر، این کشور را ملزم به استفاده معقول از آبراه‌های منتهی به تالاب و تأمین حقا به جهت حفاظت از اکوسیستم تالاب می‌کند.

معاهدات موردی، رویه دولت‌ها در قانون‌گذاری داخلی، اسناد حقوق نرم نیز در قوام هر چه بیشتر تخصیص جریان زیست‌محیطی در حال ایفای نقش هستند. این الزامات حقوقی، قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات سیاسی با دولت افغانستان را غنا می‌بخشد و در کنار سایر راهبردها می‌تواند اثرگذار باشد.

یافته‌ها و نتایج

نتایج نشان داد که جریانهای زیست محیطی بالذات و به صراحت تعهد لازم الاجرا برای افغانستان نیست لکن بر پایه برخی قواعد معاهداتی و عرفی دیگر، الزام به تأمین آن برای دولت‌های میزبان آبهای منتهی به یک تالاب بین‌المللی است.

مشارکت نویسندگان

کلیه مراحل نگارش مقاله از ابتدا تا پایان توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی

شایسته است مراتب قدردانی خود را از مدیرکل محترم محیط زیست سیستان و بلوچستان جناب آقای دکتر محمدرضا علیمردی و رئیس محترم

انجام ندهد، نمی‌توان گفت که تعهد به مراقبت مقتضی و احتیاط و پیشگیری که مراقبت مقتضی در خود دارد را اعمال کرده است. این تعهدات از شروع عملیات و در صورت لزوم، در طول عمر پروژه ادامه می‌یابد. [۴۱] به عبارت دیگر، به نظر دیوان داوری اصول پیشگیری، احتیاط و مراقبت مقتضی، مقدار مشخصی از حداقل جریان را مقرر می‌دارد و این حداقل جریان، شرط پایداری زیست‌محیطی برای حفاظت از منابع آب مشترک است. [۳۰]

نکته دیگر رأی، برقراری توازن میان دو نوع بهره‌برداری دو کشور بود. محکمه با تأکید بر اجرای اصل توسعه پایدار، رعایت همه ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در تصمیمش لحاظ و تأکید کرد که الزام به جلوگیری از تأثیر منفی بر مصارف کشاورزی و هیدروالکتریک پاکستان از آب‌های کیشنگانگا/ نیلم، نمی‌تواند حق هند را برای بهره‌برداری از کی‌هپ سلب کند. حقوق هر دو طرف تحت معاهده تا حد امکان باید عملیاتی شود. حق هند برای انحراف آب برای بهره‌برداری از کی‌هپ با حق پاکستان برای مصارف هیدروالکتریک و کشاورزی از آب‌های رودخانه‌های غربی تعدیل می‌شود، همان‌طور که حق پاکستان برای این مصارف با حق هند برای انحراف آب برای بهره‌برداری از کی‌هپ تعدیل می‌گردد. [۴۱] بر اساس این بند، پایین دست یا بالادست بودن کشور، در بررسی میزان جریان زیست‌محیطی موضوعیت ندارد و بهره‌برداری و استفاده هر دو طرف از این جریان لحاظ می‌گردد. [۳۰]

ابتکار ارزشمند دیوان داوری در این رأی آن است که با اتکا به رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچی کوو ناگیماروس مبنی بر تفسیر تکاملی معاهدات، الزام به حفظ جریان زیست‌محیطی را تعهدی عرفی دانست و به رغم مطرح نبودن این نهاد حقوقی در زمان انعقاد معاهده دو جانبه بین دو کشور (۱۹۶۰)، هند و پاکستان را در احداث پروژه‌هایشان که دارای اثر بر آبراه مشترک است، به آن متعهد شناخت. [۴۱]

نتیجه‌گیری

تالاب بین‌المللی هامون از ذخایر ارزشمند زیست‌کره است که در اثر عوامل مختلف از جمله اقدامات دولت افغانستان در خطر نابودی قرار گرفته و قریب به سی سال است که در لیست مونرو کنوانسیون رامسر قرار دارد. در معاهده منعقد میان ایران و افغانستان بر رود هیرمند ۱۳۵۱، صرفاً حقا به زراعت و شرب برای مردمان سیستان لحاظ شد و تالاب بین‌المللی هامون به عنوان کاربر قانونی آب در نظر گرفته نشد؛ هرچند که همان حقا به مقرر نیز عملاً به ایران تحویل نمی‌شود.

این پژوهش بر آن شد تا ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل در حمایت از حقا به تالاب مذکور را که در حقوق بین‌الملل تحت عنوان جریان زیست‌محیطی شناخته می‌شود، واکاوی کند. بر اساس منابع حقوق بین‌الملل، این بررسی به ترتیب از مسیر ملاحظه معاهدات میان دو طرف، قواعد عرفی لازم‌الاجرا بر همه دولت‌ها، راهنمایی‌های مراجع قضایی بین‌المللی و سایر اسناد و توافقات انجام شد.

اگرچه معاهده‌ای اختصاصی برای جریان‌های زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد لکن مواد برخی معاهدات می‌تواند ضرورت حفظ این گونه جریان آبی و حفظ اکوسیستم تالاب‌ها را اثبات کند. دولت افغانستان

Development in the Transboundary Hirmand River Basin. Journal of Science and Engineering Elites, 6(3): 71

<https://academic.oup.com/bioscience/article/70/4/330/5732594>

https://assets.cambridge.org/97811084/20952/frontmatter/9781108420952_frontmatter.pdf

https://biosepehrs.ut.ac.ir/article_81968.html

https://elitesjournal.ir/editor_file/BA7.pdf

https://jrels.ut.ac.ir/article_65820_db23f6ef393819e38ec8dc767a4031b5.pdf

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/rra.3831>

<https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/2011-096.pdf>

<https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/eplp-038.pdf>

https://pure.tudelft.nl/ws/portalfiles/portal/54943134/fenvs_06_00045.pdf

https://qjpl.atu.ac.ir/article_12227_a4168814286f23ac0cfa38346c5feb20.pdf?lang=en

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000378679.locale=en>

<https://www.cambridge.org/core/books/abs/transboundary-freshwater-ecosystems-in-international-law/contemporary-status-of-international-law-on-transboundary-freshwater-ecosystems/19091C6F55BA26782752B06BA763EC2B>

[12] <https://www.cbd.int/countries/profile?country=af>

[13] <https://www.cbd.int/countries/profile?country=ir>

<https://www.csus.edu/faculty/s/stevensm/docs/milanes-murcia-solis-stevens-int-water-law.pdf>

<https://www.ecolex.org/fr/details/literature/international-legal-foundations-for-environmental-flows-ana-073060/>

<https://www.ecolex.org/fr/details/literature/international-legal-foundations-for-environmental-flows-ana-073060/>

<https://www.nepjol.info/index.php/HN/article/view/13268>

[14] https://www.ramsar.org/sites/default/files/documents/library/annotated_contracting_parties_list_e.pdf

[15] https://www.ramsar.org/sites/default/files/documents/library/monireux_list_efs.pdf, Retried: 11/11/2024

https://www.researchgate.net/publication/283073006_Environment_al_Flow_Overview_of_Some_European_Standards_and_Recomendations_for_the_Lower_Jordan_River

[16] <https://www.unesco.org/en/mab/wnbr/about>

<https://www.wetlandsproject.ir/publications/books/detail/Hamoun-International-Wetlands-Management-Plan-/1006/view/>

[17] ICJ (1997) Gabčíkovo- Nagymaros Project (Hungary/ Slovakia)

اداره تالابهای آن اداره کل، جناب آقای مهندس حسین جان‌پرور در حمایت و تمهید انجام این پژوهش اعلام دارم.

تعارض منافع

این مقاله از طرح پژوهشی منعقد شده میان اداره کل محیط زیست سیستان و بلوچستان و دانشگاه نیشابور استخراج شده که نویسنده مجری آن بوده و نظرات ارائه شده، صرفاً نظر نویسنده است.

منابع

- [1] Aguirre, M., Barchiesi, S., Cartin, M., Cross, K., & Welling, R. (2011). Environmental flows: demonstrations and knowledge sharing through regional and global networks to turn policy into action: 2
- [2] Akbari, N., Mashhadi, A., Kazemi, H., (2021). The Legal Aspects of Helmand River Utilization, Public Law Research, 22(68): 305,306
- [3] Arthington, A. H., Bhaduri, A., Bunn, S. E., Jackson, S. E., Tharme, R. E., Tickner, D., ... & Ward, S. (2018). The Brisbane declaration and global action agenda on environmental flows (2018). *Frontiers in Environmental Science*, 6, 45: 2-7
- [4] CBD, 6th Joint Work Plan, 2024-2030, of the Convention on Biological Diversity and the Convention on Wetlands, 2024, Switzerland
- [5] Chen, C. C., Wang, L. C., Cao, X. Z., & Song, J. (2013). Environmental flows legislation and regulations in foreign countries and the enlightenment to China. *Applied Mechanics and Materials*, 295: 2181
- [6] Coates, D. (2018). Convention on biological diversity (CBD) and wetland management. *The wetland book 1: Structure and functions, management, and methods*. Springer, Cham, 487-491.
- [7] Comprehensive Management Plan for Hamoun Wetland, Environmental Protection Agency, 2015: 1-75
- [8] COP-5 of CBD, The fifth Conference of the Parties (COP-5) to the Convention on Biological Diversity 2000,
- [9] de Chazournes, L. B. (2014, January). The Notion of Environmental Flows and the Law Applicable to International Watercourses. In *Proceedings of the ASIL Annual Meeting* (Vol. 108, pp. 293-297). Cambridge University Press.
- [10] De Lucia, V. (2019). The ecosystem approach in international environmental law: Genealogy and biopolitics. Routledge.
- [11] Fakouri, S., Shourian, & M., Moridi, A. (2018). Assessment of the Vulnerability of Domestic Water Needs Due to Upstream

- [32] Sands, P., & Peel, J. (2012). Principles of international environmental law. Cambridge University Press: 340
- [33] Scanlon, J., & Iza, A. (2004). International legal foundations for environmental flows. Yearbook of International Environmental Law, 14(1): 83, 84
- [34] Shine, C., & De Klemm, C. (1999). Wetlands, water, and the law: using law to advance wetland conservation and wise use (No. 38). IUCN: 199-201
- [35] Shinozaki, Y., & Shirakawa, N. (2021). A legislative framework for environmental flow implementation: 30-years operation in Japan. River Research and Applications, 37(9), 1323-1332.
- [36] Suietnov, Y. (2021). Formation and Development of the Ecosystem Approach in International Environmental Law before the Convention on Biological Diversity. J. Env'tl. L. & Pol'y, 1, 47-85
- [37] The Brisbane Declaration and Global Action Agenda on Environmental Flows 2018
- [38] The River Basin Initiative: status of implementation and prospects for the future, DOC. SC25-11, (2000), <https://www.ramsar.org/sites/default/files/documents/tmp/pdf/sc/25/SC25-11.pdf>
- [39] The world conservation union qtd in Scanlon, J., & Iza, A. (2004). International legal foundations for environmental flows. Yearbook of International Environmental Law, 14(1): 83
- [40] Tickner, D., Opperman, J. J., Abell, R., Acreman, M., Arthington, A. H., Bunn, S. E., ... & Young, L. (2020). Bending the curve of global freshwater biodiversity loss: an emergency recovery plan. BioScience, 70(4): 330-342
- [41] UNESCO, International Coordinating Council of the Man and the Biosphere (MAB) Programme, 2016
- [42] Water Resources Act of Norway , Act No. 82 of 24 November 2000
- [18] Karamzadeh, S., Moradian, B. (2017). Iran's Rights in Exploitation of Hirmand River from International Law Perspective. Journal of Researches Energy Law Studies, 3(2), 344-345
- [19] Khalili, M., & Hashemi, S. (2017). Helmand Water Rights and Its History. Foreign Relations Quarterly, 9(4), 31-61
- [20] Lake Lanoux arbitration (France v Spain), award of 16 Nov 1957
- [21] Maasri, A. (2013). Environmental Flow: Overview of some european standards and recommendations for the lower Jordan river. ENPI/2011/269-355.
- [22] Milanés-Murcia, M., Sandoval-Solis, S., & Stevens, M. (2013). The environmental protection of wetlands under international law. J. Wetl. Sci. Pract, 30: 9-26
- [23] Mousazadeh, R., & Abbaszadeh, M. (2016). Legal Dimensions of the Utilization of the Transboundary Hirmand River by Iran and Afghanistan. Central Asia and Caucasus Journal, 93
- [24] Moynihan, R. (2021). Transboundary freshwater ecosystems in international law: The role and impact of the UNECE environmental regime. Cambridge University Press.
- [25] PCA. (2013). Indus waters Kishenganga arbitration (Pakistan v. India). Case No. 2011-01. Partial Award.
- [26] PCIJ, Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder, 1929, pp.27-28
- [27] PCIJ, The Diversion of Water from the Meuse case, 1837, pp. 76,77
- [28] Rafe'i, S., & Danehkar, A. (2021). An Analysis of Ramsar Wetlands. Biospeher Journal, 14(1): 26-36
- [29] Ramsar Convention Res. VIII.25, 2002
- [30] Ramsar Convention Resolution IX.1 Annex A, 2005: para 22
- [31] Rijal, N. H., & Alfredsen, K. (2015). Environmental flows in Nepal- an evaluation of current practices and an analysis of the upper Trishuli-I hydroelectric project. Hydro Nepal: Journal of Water, Energy and Environment, 17(8), 8-17.

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

Salari, A., Assistant Prof., Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran.

✉ salari@neyshabur.ac.ir

 0000-0002-2864-1948

این قسمت توسط نشریه تکمیل می‌گردد.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

 <http://doi.org/10.52547/joc.16.61.1>
 <http://joc.inio.ac.ir/article-1-1853-fa.html>
 <https://orcid.org/0000-0002-2864-1948>



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.